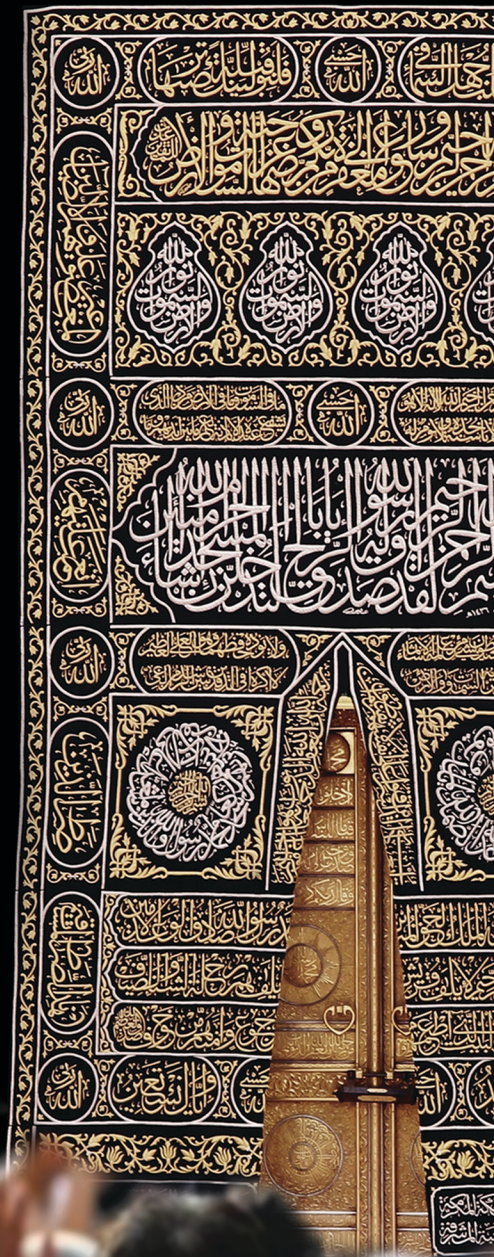


هذه هي الحج

فخرنا



هَامِلٌ إِلَى الْحَجِّ

غفر

پژوهش و نگارش: محمدحسین ذاکر - محمدرضا مهدیان

مدیر هنری: عبدالله مقدسی

گرافیک: مهدی جاودان

خوش نویسی: عباس صالحی

مشخصات ظاهری: ۱۲۴ص: ۲۱،۵×۱۴ س م

شابک: ۷- ۲۱۴ - ۴۴۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان دیگر: دریاب خانه را

رده بندی کنگره: ۸ / ۱۸۸ BP

شماره رده دیویی: ۳۵۷ / ۲۹۷

شماره کتاب شناسی ملی: ۶۲۳۷۸۲۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



با اسکن کیوارکد بالا می‌توانید نسبت به تهیه نسخه صوتی کتاب اقدام نمایید.

قال الامام الصادق عليه السلام:
وَدَّ مَنْ فِي الْقُبُورِ لَوْ أَنَّ لَهُ حِجَّةً بِالدُّنْيَا وَمَا فِيهَا

اهل قبور آرزو می کنند در مقابل دنیا و هر آنچه
در آن است، " یک حج " برای آنان باشد!

من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۲۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم
 قال الله تعالى نعم المولود ونعم النصير
 ولكل امه جعلنا مسكاً لبذكريا اسم الله عليه ما رزقهم من نعمته
 الا تعلمم فانهم لله واحد فله اسلموا ونصر المحسن
 والكفر فاحروا فوسمى الله نورا فلو اومأوا لعرسهم الله رفا
 حسدا وان الله له وحى الرازي
 الحمد لله الذي جعل الحمد معا حاد الذكره والصلوة والسلام على
 اسرى الاسباء والمرسلين حيث الله العالمين ابو القاسم المعصوم
 محمد وعلمو الله النصير الصانق من سما نعمة الله في ان نصير
 الاعلى القائم علوا عند انهم جمع من الجن والانس يوم الدين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مَعًا حَادِذَ ذِكْرِهِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى

بانگش فراگرفت " هَلُمَّ " زمانه را
آماده کرد مهد امیری یگانه را
دامی فرو نهاد و سپس ریخت دانه را
ای صید سعدبخت، تو " دریاب خانه را "

...

تقدیم به حقیقت حج

به خیمه نشین تنهای عرفات

به حاجی منتظر و مضطرّ زمانه

به امام عزیز و حجّت غایب از نظر

حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف

به امید لحظه ای که به دیوار کعبه تکیه زند

وندا دهد ...



فهرست

پیش‌گفتار ۱۳

مقدمه ۱۹

فصل اول: حرم ۲۷

عظمت و فضیلت حرم ۲۹

گسترش زمین از موضع کعبه (دحوالأرض) ۲۹

کعبه، مایه‌ی قوام مردم و دین ۳۰

فضیلت نگاه کردن به کعبه ۳۰

عزم و اراده نداشتن برای بازگشت به این سرزمین و پیامدهای آن ۳۲

وفات در حرم و دفن شدن در آن ۳۳

بیت‌الله و اهانت‌های تاریخی به آن ۳۴

درد دلی با خواننده‌ی گرامی ۳۸

فصل دوم: اهمیت حج ۴۱

جایگاه حج و لزوم آن ۴۳

ستون‌های اسلام ۴۳

مرزهای ایمان ۴۴

فرار به سمت خدا ۴۵

وجوب حج در پاره‌ای از آیات و روایات ۴۵

دو روایت ذیل آیه ۹۷ سوره آل عمران ۴۵

ترک یا عقب انداختن بی دلیل سفر حج ۴۷

- مرگ یهودی یا نصرانی ۴۷
- کوری روز قیامت ۴۷
- گناه، مانع به جا آوردن حج ۴۸
- ترک حج و عذاب الهی ۴۸
- عواقب به آینده موکول کردن حج ۴۸
- فضایل و فواید مناسک حج و عبادت در حرم ۴۹
- فواید حج در دنیا و آخرت ۵۰
- فزونی اموال ۵۱
- قرض کردن به خاطر حج ۵۱
- نگاه ویژه پروردگار متعال به مهمان هایش ۵۲
- بیان گوشه‌ای از اعمال و مناسک و نتایج آن ۵۲
- نماز در مسجد الحرام ۵۴
- توشه‌ای برای چهار ماه ۵۵



فصل سوم: حج دوباره و چندباره ۵۷



- تشریف‌های مکرر به حج ۶۰
- سه حج ۶۱
- چهار حج ۶۱
- پنج حج ۶۱
- ده حج ۶۲
- بیست حج ۶۲
- چهل حج ۶۲

دعا برای حج هرساله و زیارت هرساله‌ی پیامبر ﷺ و خاندان مطهرش ﺍﻟﻤﻄﻬﺮﯨﻦ ۶۳

دوست دارم خداوند ﷻ تورا در این حال ببیند ۶۳

ملائکہ برایش دعا می‌کنند ۶۴

محروم کیست؟ ۶۴

فصل چهارم: حج یا سایر امور خیر؟ ۶۵

تسلیم، عقلمانی‌ترین روش رویارویی با دستورات دین ۶۷

چرایی تعبد و فرمان برداری ۶۸

توضیح عقلی بودن پیروی بی‌چون و چرا ۶۹

مشابهت حج کنونی و پیشین ۷۰

تقدم حج بر حواج دنیا ۷۲

حج یا صدقه؟ ۷۳

بیان روایات ۷۴

۱. برتری حج بر صدقه ۷۴

حج را به خاطر صدقه تعطیل نکن ۷۵

شرح و توضیح روایت ۷۶

تأثیر حج در زدودن فقر ۷۷

حج برتر است ۷۸

۲. برتری رفع نیاز مؤمن نسبت به حج ۸۱

چه باید کرد؟ ۸۲

نتیجه‌گیری ۸۵

فصل پنجم: برخورد دیگران با حجج ۸۷

لزوم احترام به حجج ۸۹

اجر عظیم رسیدگی به خانواده حجج ۹۰

فصل ششم: حج مقبول ۹۱

- ۹۳ عبادت مطلوب و عبادت مغضوب
- ۹۶ دو خواسته‌ی اساسی خداوند متعال از بشر
از در، وارد خانه شو!
- ۹۹ اهمیت دیدار و زیارت پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام
- ۱۰۰ زدودن آلودگی باطن با زیارت امام علیه السلام
- ۱۰۱ مقصود از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۱۰۲ پس از طواف، اعلام ولایت کنند
- ۱۰۳ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم در میان طواف کنندگان
- ۱۰۴ مدینه النبی صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۰۴ با مکه آغاز کنید و با ما به سرانجام رسانید
- ۱۰۴ فضیلت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بقیع علیهم السلام
- ۱۰۵ وعده‌ی شیرین شفاعت
- ۱۰۵ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضامن زوّار اهل بیت علیهم السلام
- ۱۰۶ عقوبت و زشتی ترک زیارت
- ۱۰۶ فضیلت نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم

پی‌نوشت ۱۰۹

منابع و مأخذ ۱۲۱



پیش گفتار

- مردمان از دیرباز با نعمت‌های پروردگار و هرآنچه نمی‌شناختند، در دشمنی و خصومت بوده‌اند.* قضاوت‌های زود هنگام و یا از سر جهل، تأثیرپذیری از شبهه‌افکنان و ضعف ایمان، همه و همه انسان را به چنین خسروانی رسانده که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ».**
- همین روحیه‌ی ناپسندِ بسیاری از آدمیان، دستورات و توصیه‌های خداوند حکیم و جانشینان پاکش را آماج سهمگین‌ترین هجوم‌ها و دستخوش تغییرات و شبهات گوناگون کرده است.
- یکی از این دستورات که از قضا، رکنی از ارکان اسلام است و در کنار

* اشاره به روایت؛ یکی از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: "التَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا". مردم دشمن آنچه نمی‌دانند هستند. نهج البلاغه: ص ۵۰۱ و دیگری از امام صادق علیه السلام که فرمودند: همانا مردم

دشمن نعمت‌ها [ی رسیده به دیگران] هستند. الکافی: ج ۸ ص ۲۴۹

** همانا انسان در زیان است. سوره عصر: ۲

ولایت، نماز، زکات و روزه، خوش درخشیده است حج می‌باشد. عبادتی که برخی آن را خوش نمی‌دارند و کوچکش می‌شمارند؛ با اندک بهانه‌ای ترکش می‌کنند و توانگری را که توفیق تشرّف یافت، نکوهش می‌نمایند. گروهی نیز علی‌رغم اعتقاد به این عبادت رفیع، هنگامه‌ی عمل، دچار سرگردانی و پریشان‌شبهات گوناگون می‌شوند.

- با دیدن این اوضاع آشفته، به میانه‌ی میدان آمدیم تا به سهم خود، مرهمی باشیم بر آلام کهنه‌ی این عبادت مظلوم؛ آمدیم تا غبار جهل از آن زدوده و درخشندگی‌اش را به رخ اهل ایمان کشیم.

- جستار گسترده‌ای را در آیات و روایات مرتبط با حج آغاز نمودیم. بیش از دو سال، مهمان سفره‌ی رنگین روایات در ابواب گوناگون بودیم. همت گماشتیم تا دعوت الهی ابراهیم خلیل علیه السلام را به گوش مؤمنان رسانیم.

دست به قلم شدیم و نگاشتیم: "هَلُمَّ إِلَى الْحَجِّ".

- در آغاز، نتیجه‌ی این پژوهش را در پنج فصل قرار دادیم. نیّتمان این بود که خواننده را با سرزمین حجاز، اهمیت حج، مطلوبیت تکرار آن، مقایسه‌ی آن با دیگر امور خیر مانند صدقه و در نهایت، با اجر تجلیل و احترام حاجیان، بیش از پیش آشنا کنیم.

اما این پایان ماجرا نبود! مؤمنانی را می‌دیدیم که قدم به حرم امن الهی گذارده‌اند و بعضاً دچار شبهاتی نسبت به معارف اهل بیت علیهم السلام شده‌اند و از سویی جوشش جمعیت حاضر در موسم حج و به هم پیوستگی صفوفشان، آنان را متمایل به راه و رسم دیگران کرده است.

- از این رو بر آن شدیم تا فصل دیگری را در این کتاب رقم زنیم؛ در این فصل که گام پایانی ما در تألیف بود، به شرط اساسی و روح حاکم بر حج و هر عبادت دیگری یعنی معرفت امام زمان علیه السلام پرداختیم.

• با الهام از بیان نورانی اهل بیت علیهم‌السلام نام کتاب را " هَلُمَّ إِلَى الْحَجِّ " * گذاشتیم که فراخوان آدمیان به حج است در هر عصر و دوره‌ای و نخستین اشاره و تنبیه به جایگاه والای حج و گستره‌ی آن در بستر تاریخ.

• باشد که مورد قبول و توجه حضرت بقیة الله عَنْكَ اللَّهُ وَرَحْمَةُ الْكَرِيمِ واقع گردد.

اینک بیان چند نکته:

• در ترجمه‌ی آیات و روایات علی‌رغم تلاش فراوان در برگردان لفظ به لفظ، آنجا که خللی در فهم معنا پیش می‌آمد به این اصل مقید نبوده‌ایم. **

• سلسله‌ی روایان احادیث، به طور کامل ذکر نشده و یا حذف شده است.

• در استفاده از نشانه‌های احترامی - مانند علیهم‌السلام - و علائم نگارشی - مانند ؟ - الزاماً تابع منابع نبوده‌ایم و در تمام مواردی که بخشی از یک روایت را نقل نموده‌ایم در ابتدا یا انتهای آن لزوماً از "... " استفاده نکرده‌ایم.

• این کتاب محصول یک همکاری جمعی و ماه‌ها پژوهش و مطالعه است؛ از این رو از زحمات یکایک فضلا و اندیشمندان به ویژه اساتید گرانقدری که در نگارش این اثر سهیم بوده‌اند خاضعانه قدردانی می‌نماییم. همچنین از ویراستار محترم این نوشتار که متحمل زحمت‌های فراوان شدند - و خواستند که نامشان برده نشود - صمیمانه تشکر می‌نماییم.

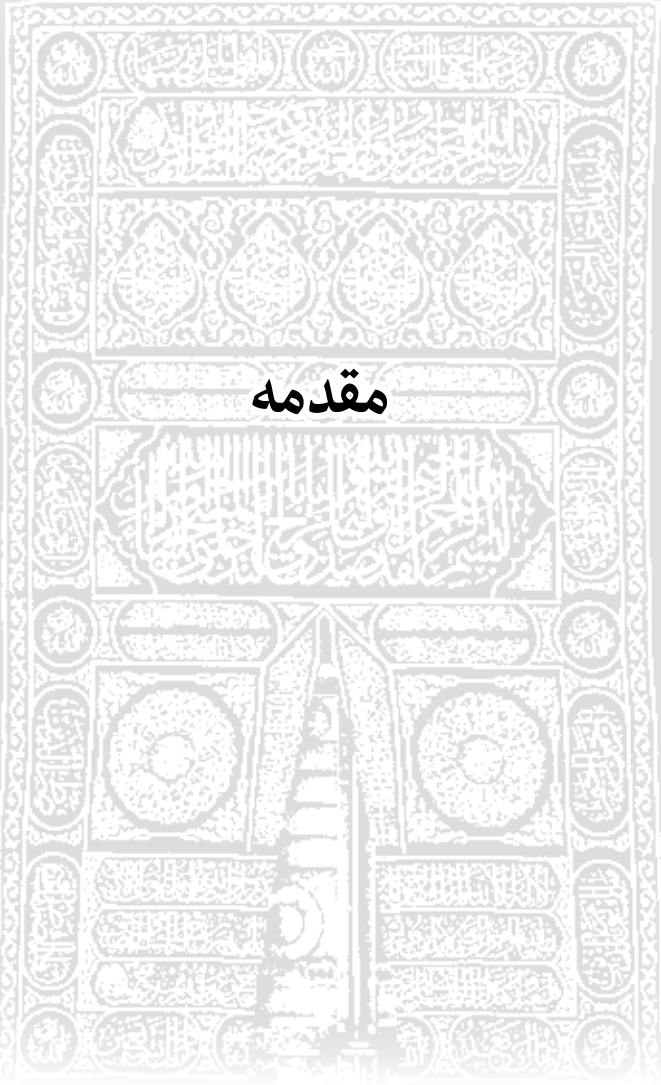
• بی‌شک، نظرات خوانندگان گرامی نوید بخش اثری مشابه و جامع در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهد بود.

محمد رضا مهدیان محمد حسین ذاکر

۲۷ رجب سال ۱۴۴۱ هجری قمری

* " به حج آید " من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۲ همچنین رک الکافی: ج ۴ ص ۲۰۶

** معمولاً کلماتی که در ترجمه‌ی لفظ به لفظ نیستند، داخل [] قرار گرفته‌اند.



مقدمه

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾^۱

- سخن از خانه‌ای است که زمین از زیر آن گسترده شده در حالی که همه جا را آب فرا گرفته بود!^۲ *
- خانه‌ای که قبل از بنایش، دژی سپید و درخشانده به سان خورشید بوده است!^۳
- یگانه خانه‌ای که از ابتدای آفرینش، از قید تملک رها بوده است و از این رو است که "بیت العتیق" اش گفته‌اند.^۴
- آنان که ستون‌هایش را برافراشتند، حضرت ابراهیم خلیل الرّحمان و فرزندش اسماعیل علیه السلام بودند.^۵ آن‌گاه که بنای کعبه به پایان رسید، حضرتش تمام نسل‌ها را به "حج" فراخواند: "هَلُمَّ اِلَى الْحَجِّ! هَلُمَّ اِلَى الْحَجِّ!" به حج آیید! به حج آیید! مردمان نیز، پیش از آنکه گام در این دنیا

* قریب به اتفاق فرازهای مقّمه، برداشت شده از روایات است.

نهند؛ دعوتش را اجابت نمودند: "لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ! لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ! ..."
و بدین سان رزق و روزی سفر حج آدمیان، با لبّیک‌هایی که گفتند و
نگفتند، تقسیم گردید.^۶

- سخن از مکه است! همان نقطه‌ی هیوط آدم ابوالبشر عليه السلام؛ آموزگاری
که اعتراف به گناهان و لغزش‌ها را، در صحرای عرفات به بشر آموخت.^۷
- سخن از منا و فضیلت حضور در سرزمینی است که قربانگاه ذبیح الله
است؛ از زمزم و آب زلالش و از زمینی است که خُفتن و حتی مرگ در آن نیز،
فضیلتی ست سترگ.^۸

- حاجی! به سرزمینی گام نهاده‌ای که قدمگاه انبیای عظام الهی عليهم السلام
است؛ نوح نبی الله عليه السلام با کشتی نجاتش در طواف این زمین بوده؛^۹
ابراهیم خلیل عليه السلام بنایش نهاده و از خداوند متعال خواسته است تا آن را،
زمینی امن گرداند؛^{۱۰}

- موسی کلیم الله عليه السلام همراه با هفتاد نبی الهی عليهم السلام در راه رسیدن به این
خانه لبّیک گفته‌اند: "لَبَّيْكَ، عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ!"^{۱۱}

- سلیمان عليه السلام در میان جن و انس و پرنندگان و بادها، حج گزارده و بر
"خانه" پوشش نهاده؛^{۱۲}

- گوش فراده تا صوت ملکوتی داود پیامبر عليه السلام را در صحرای عرفات
بشنوی!^{۱۳}

- گام به گام کنار قدم‌هایت از رکن یمانی تا حجرالاسود، هفتاد نبی الهی
مدفون گردیده‌اند.^{۱۴}

- حاجی! با تأملی بیشتر گوش جانت را به ندای رسای دعوت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بسپار و با چشم دل، عبادت‌ها و نیایش‌های او را در غار
حراء ببین!

- رشادت‌های حضرت ابوطالب عليه السلام و فداکاری‌های حضرت امّ المؤمنین

خدیجه‌ی کبری علیها السلام را جس کن!

• و این همان خانه‌ایست که برای فاطمه‌ی بنت‌اسد علیها السلام گریبان چاک نمود!^{۱۶*}

آری؛ مولود کعبه را، علی علیه السلام را، در آغوش مادر ببین!^{۱۷}

• گویی در منا این حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است که از ظلم معاویه برای بزرگان صحابه‌ی جدش صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید و فضایل اهل بیت علیهم السلام بر زبانش جاریست.^{۱۸}

• حاجی! اینجا حرم امن الهی است...^{۱۹}

خوش آمدی و گوارایت باد!

• حال که به شوق لقاء امام زمانت عجل الله تعالی فرجه الشریف، چشمان غرق اشک و خسته را، به هر سو گرداندی و منزل به منزل در کنار او مناسک را به انجام رساندی،^{۲۰} نوبت به شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است.

• آن شب که علی علیه السلام در بسترش آرمید تا او بیارآمد،^{**} آن شب که اسماعیل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، برای ذبح در قربانگاه بستر، مهیا گردید،^{۳۱} پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناگزیر از مکه بیرون شد. مکه، دیگر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امنیت نداشت.

* اشاره به ماجرای میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام.

** اشاره به واقعه‌ی "لیلة المبيت": شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در

بستریشان خوابیدند تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شبانه از مکه به مدینه هجرت کنند.

*** "امی" یعنی منسوب به ام‌القری (مکه)؛ روایات متعدد از جمله روایت زیر، بر این مطلب

دلالت دارند.

عن علي بن أسباط قال قلت لأبي جعفر عليه السلام: لم سمي النبي الأمي قال: نسب إلى مكة، وذلك من قول الله:

﴿لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ و أم القرى مكة، ف قيل أمي لذلك . تفسير العياشي: ج ۲ ص ۳۱

و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ ماند تا ذبح عظیم نبی اکرم ﷺ شود. خداوند متعال هم چه زیبا او را در قرآن آراست: ^{۲۲}

﴿ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴾ ^{۲۳}

و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان بسیار مهربان است.

- بیرون رانده شدن رسول ختمی مرتبت ﷺ بر مولود کعبه عَلَيْهِ السَّلَامُ، چنان گران آمد که بعد از هجرت به مدینه، دیگر هیچ شبی را در مکه صبح نکرد! پس از اقامه ی فریضه ی عصر، از مکه بیرون می شد و شب را در جایی غیر آن سپری می کرد. ^{۲۴}

- مدینه اما آن روز، آغوش گشوده و در انتظار پیام آور رحمت ﷺ بود. چه مدینه ای!

یثربی که با ورود رسول خدا ﷺ جان تازه ای گرفت و شهر او شد.

- یک سویش مسجد النبی ﷺ، یک سو حجره ی پیامبر ﷺ، یک سو خانه ی فاطمه و علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

- مردم آن روزها میزبان پنج پاره ی نور، پنج حجّت خداوند رحمان بودند.
- شهری که تنها چند سالی برایش مأمن امن بود. پس از او اما، گرد و غبار فتنه و آتش حقد و حسد در هم آمیخته و مولود شومشان، پهلوی پاره ی تن خاتم الانبیاء ﷺ را پشت در سوخته، شکست.

- حاجی! وقت زیادی نداری؛ مبادا کوچه ی خاک آلود بنی هاشم را از میان سنگ های براق و مرمرین صحن مسجد پیامبر ﷺ نبینی!

- حاجی! تو آمده بودی تا پیامبر و فرزندان آرمیده به خاکش را، در میان خُلل و زینت ها و درهای طلایی و زیر قبه های رفیع، زیارت کنی؛ اما در جوار پیامبرت ﷺ و زیر گنبد خضراء، دیگران دفن شده بودند؛ دیگران ...

اگر قصد زیارت فرزندان را داری، بدان که قبر فاطمه اش علیها السلام مخفی مانده است.^{۲۵} چهار فرزند معصومش هم، زیر هُرم آفتاب مدینه و در قبرستان بقیع آرمیده‌اند؛ بدون بارگاه، بدون ضریح، بدون خادم، تنها در سایه‌ی پرواز کبوترانی چند...*

• حاجی! مدینه یعنی غربت.

^{۲۶} مدینه یعنی تمنای ظهور منتقم.

مدینه را قدر بدان و به خاطر بسپار.

* این بقاع متبرکه، تا حدود صد سال پیش دارای بارگاه بوده و در تاریخ هشتم شوال سال ۱۳۴۴

هجری قمری به طور کامل تخریب شده است.

فصل اول

حرم

عظمت و فضیلت حرم

عزم و اراده نداشتن برای بازگشت به این سرزمین

وفات در حرم و دفن شدن در آن

بیت الله و اهانت‌های تاریخی به آن



عظمت و فضیلت
حرم

﴿ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴾^{۲۷}
به یقین نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شد، همین است که در مکه است؛ مبارک است و برای جهانیان [مایه‌ی] هدایت.

گسترش زمین
از موضع کعبه
(دحو الأرض)

• در ذیل این آیه‌ی شریفه، روایت زیر شایسته‌ی تأمل و بررسی است:
عن أبي حنّان عن أبي جعفر عليه السلام قال: لما أراد الله ﷻ أن يخلق الأرض أمر الرياح فضرين وجه الماء حتى صار موجاً ثم أزيد فصار زبداً واحداً فجمعه في موضع البيت ثم جعله جبلاً من زبد ثم دحا الأرض من تحته و هو قول الله ﷻ:
﴿ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا ﴾^{۲۸}
ابوحنّان از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که فرمودند:
زمانی که خداوند ﷻ خواست زمین (خشکی) را خلق کند، به

بادها امر فرمود؛ پس به سطح آب خوردند تا اینکه موجی ایجاد شد؛ سپس کف روی آب را برآورد و آن را در جای خانه (کعبه) جمع نمود. آن‌گاه آن را کوهی از کف قرار داد. سپس خشکی زمین را از زیر کوه گسترانید و این همان فرمایش خداوند ﷻ است: به یقین نخستین خانه‌ای ...

روایات بسیاری درباره‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری زمین از بخش زیرین جایگاه کعبه در کتب معتبر حدیثی وجود دارد. به علاوه، اشاره‌های فراوانی در مورد پیشینه‌ی خود کعبه و زمین آن، در روایات یافت می‌شود که همه بر فضل و عظمت این زمین صراحت دارند.^{۲۹}

﴿ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ ﴾^{۳۰}

خداوند [زیارت] کعبه‌ی بیت‌الحرام را وسیله‌ی به‌پاداشتن [مصالح] مردم قرار داده است.
عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة.^{۳۱}

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: همیشه تا زمانی که کعبه برپا باشد، دین برپا خواهد بود.

• بر این اساس شاید بتوان اینچنین گفت که اگر طواف این خانه و مناسک آن تعطیل شود، دین و اصلاح امور مردم نیز تعطیل خواهد شد.

• روایات زیر تنها، نمونه‌هایی است از این دست که ارج و منزلت کعبه و اجر نگرستن به آن را بیان می‌کنند.

قال رسول الله ﷺ: من أراد دنیا و آخرةً فليؤم هذا البيت.^{۳۲}
هر که دنیا و آخرت می‌خواهد، باید آهنگ این خانه کند.

کعبه، مایه‌ی

قوام

مردم و دین

فضیلت

نگاه کردن

به کعبه

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

هرکس به کعبه نگاه کند همواره برایش حسنه نوشته می‌شود و سیئاتش محو می‌گردد تا آن‌گاه که از آن، روی گرداند.^{۳۳}

در بیان دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِنَّ لَهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عَشْرِينَ وَمِائَةَ رَحْمَةٍ مِنْهَا سِتُونَ لِلطَّائِفِينَ وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَعَشْرُونَ لِلنَّاطِقِينَ.^{۳۴}

همانا خداوند تبارک و تعالی، گرداگرد کعبه صدوبیست رحمت دارد! شصت‌تای آن خاص طواف‌کنندگان، چهل‌تای برای نمازگزاران و بیست‌تای آن برای نگاه‌کنندگان به کعبه است.

• البته بر خواننده‌ی هوشیار و نکته‌سنج پوشیده نیست که این عبادت نیز به‌سان دیگر عبادات، متوقف بر ایمان و اعتقاد صحیح و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام است و بدون آن، عبادت و تقرب به خداوند متعال، بی‌معناست و تحقق نمی‌یابد. چنانکه از امام صادق علیه السلام هم روایت شده است که:

مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ بِمَعْرِفَةٍ فَعَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحَرَمَتِهَا مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحَرَمَتِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَكَفَّاهُ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^{۳۵}

هرکس با معرفت به کعبه بنگرد، پس حق و حرمت ما (اهل بیت علیهم السلام) را مانند حق و حرمت کعبه بشناسد، خداوند گناهانش را می‌آمرزد و دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند.

چه وجه شباهت زیبایی بین امام علیه السلام و کعبه برقرار است؛ آنجا که هردو سزاوارند برای آنکه مردم به آن‌ها مراجعه کنند در حالی که ایشان به کسی رجوع نمی‌کنند؛ یعنی وظیفه‌ی مردم است که بر گرد وجود امامشان حاضر باشند و صد البته بر امام علیه السلام لازم نیست سراغ مردم رود.^{۳۶}

• این مختصر را مجال بیان فضیلت سایر اماکن حرم امن الهی نیست؛ از آب زمزمش که شفاست^{۳۷} و ایستادن بر صفا و مروه که موجب فزونی مال می‌شود^{۳۸} تا صحرای مشعر و بخشایش گناهان در عرفات^{۳۹} و فضیلت درک نشدنی حضور در منا^{۴۰} و ...

از این رو در این بخش به همین مقدار اکتفا می‌شود؛ اما پیشنهاد صمیمانه‌ی نگارندگان، به طالبان معالم و معارف شریعت، آن است که خود را از مراجعه و بهره‌گیری از آن معارف، محروم نکنند.

• یکی از مواردی که در برخی روایات به آن توجه و هشدار داده شده است، نداشتن عزم و اراده برای بازگشت به بیت‌الله و مذمت آن است. در روزگار ما هم، بسا مردان و زنانی که پس از بازگشت از این سفر، در دل و حتی گاه به زبان اعلام می‌کنند که دیگر به این سفر مشرف نخواهند شد! این تصمیم به بازنگشتن، در برخی افراد به خاطر آگاه نبودن از نظر اولیای دین در این باره است. لذا در این بخش، پاره‌ای از روایات مربوط به این موضوع را پیش روی خوانندگان منصف می‌گذاریم تا عمق زشتی این تصمیم، برای آنان که تسلیم دستورات دین هستند، روشن گردد:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من خرج من مكة و هو لا يريد العود إليها فقد اقترب أجله و دنا عذابه.^{۴۱}

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر کس از مکه خارج شود و نخواهد که به آنجا برگردد، پس مرگ و عذابش نزدیک شده است.

• این نکته شایسته‌ی تأمل و دقت نظر است که اشاره و نکوهش این روایت، متوجه آن‌هاست که عزمی به بازگشت ندارند و صد البته حساب آنان که تصمیم به بازنگشتن دارند، روشن است! گویی از منظر این حدیث شریف، هر کس از این سرزمین بیرون می‌آید باید عزم بازگشت به

عزم و اراده

نداشتن

برای بازگشت

به این سرزمین

و پیامدهای آن

آن را داشته باشد.

از این رو در روایات به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است که وقتی یزید بن معاویه - لعنة الله علیهما - از سفر حج به شام باز می‌گشت، شعری سرود و در آن گفت که دیگر هرگز بر نخواهم گشت! خداوند متعال نیز او را زودتر از فرا رسیدن اجلس گشت.^{۴۲}

• بدون تردید مرگ از جمله پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی بشری است. اما آنچه این پدیده‌ی یکسان برای همه را برای برخی مؤمنان تبدیل به امتیازی ویژه و آرزویی مقدّس می‌کند، جان سپردن در اماکن و مشاهد مقدس است. یکی از نقاطی که مُردن در آن برای مؤمنان فضیلتی است بس سترگ، بی‌شک همان "حرم امن الهی" است.

توجه به این موضوع در روایات، بیش از حد تصوّر است؛ تا آنجا که در روایات از کسانی یاد شده که در راه حرم و حتی پیش از رسیدن به آن می‌میرند و از الطاف خاص و رحیمانه‌ی معبود برخوردار می‌شوند.

• دیگر از منزلت‌های رفیع این سرزمین، دفن شدن در آن است که فضیلتی بی‌بدیل و برکتی کم‌نظیر، نصیب آرمیدگان در آن خاک می‌کند.

روایات در این بخش بسیارند و شاید قطراتی از دریای زلال روایات، از عطش طالبان تشنه‌ی معرفت بکاهد:

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الحاجّ والمُعتمر في ضمان الله فإن مات متوجّهاً غفر الله له ذنوبه وإن مات محرماً بعثه الله ملئياً وإن مات بأحد الحرمين بعثه الله من الآمنين وإن مات منصرفاً غفر الله له جميع ذنوبه.^{۴۳}

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند:

حج‌گزار و عمره‌گزار، در ضمانت خداوند می‌باشند. پس اگر در حال

آمدن [به مکه] جان دهد، خداوند گناهانش را می‌آمرزد و اگر در حال احرام بمیرد، خداوند او را در حال لَبَّيْكَ گفتن برمی‌انگیزد و چنانچه در یکی از دو حرم [مکه و مدینه] جان دهد، خداوند وی را در زمره‌ی کسانی برمی‌انگیزد که امان دارند و اگر در حال بازگشت از این سفر از دنیا رود، خداوند همه‌ی گناهانش را می‌آمرزد.

در روایتی دیگر نقل شده است، وقتی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پاداش "در امان ماندن از هراس بزرگ قیامت" برای دفن شدن در حرم یاد نمودند، از ایشان سؤال شد که این امان هم شامل مردم نیکوکار و هم مردم بدکار می‌شود؟ ایشان فرمودند:

مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَفَاجِرِهِمْ.^{۴۴}

[آری] چه از نیکوکاران باشد و چه از بدکاران!

در روایت دیگر نیز به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و ایشان از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است:

... مِنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسَبْ وَ مِنْ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَشْرَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ.^{۴۵}

آنکه در یکی از دو حرم مکه و مدینه بمیرد، مزاحمتی نخواهد داشت و مورد حساب قرار نمی‌گیرد و کسی که در حال هجرت به سوی خداوند صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بمیرد، در قیامت با اصحاب بدر محشور می‌شود.

- تا اینجا شأن و منزلت برجسته و جایگاه رفیع حرم امن الهی را با استناد به آیات و روایات و استمداد از کلام نورانی‌شان برشمردیم.
- اما در نقطه‌ی مقابل این اهمیت و منزلت و در طول سالیان متمادی، همیشه کسانی بوده‌اند که عامدانه و یا از روی نادانی در تحقیر این بنای مبارک و سفر به سوی آن کوشیده‌اند. این خود از حربه‌های ابلیس خبیث

بیت‌الله و

اهانت‌های

تاریخی به آن

است که هرچه را شرع مقدس، مبارک و مغتنم می‌شمارد، او کوچک و خوارش می‌نمایاند و آنچه را بی‌قدر و ارزش است، برای آدمی زیبا و ارزشمند جلوه می‌دهد.

• البته شرع‌ستیزانی همچون صوفیه نیز که تن به تسلیم در برابر دستورات الهی نمی‌دهند، همواره با وی هم‌صدا می‌شوند و عظمت و شکوه خانه‌ی کعبه را، نادیده می‌گیرند و در نگاه مخاطبان و پیروان خویش، بی‌ارزش جلوه می‌دهند. بدین سان، از تلاش خود در دور نمودن مردم، از مسیر فطرت و سعادت ابدی دست بر نمی‌دارند.

• ناگفته نماند که این سفر از یک سو، همراه با دشواری و هزینه و زحمت فراوان بوده و از سوی دیگر در طول تاریخ - خصوصاً در دوران صدور روایات فضیلت و اهمیت حج -، این حاکمان ظلم و جور بوده‌اند که براریکه‌ی قدرت، تکیه داشتند. از این رو بهانه‌تراشی‌هایی از این دست، هرگز نباید این جایگاه بلند و ارجمند را از رونق زائران و شکوه جمعیت بیندازد و امت مسلمان را به ترک این عبادت عظیم سوق دهد.

حال آیا شایسته است حریم امن الهی آماج هجومی اینچنین سهمگین و غیرمنصفانه شود؟ هجومی که با تأسف فراوان، کم و بیش دامن‌گیر پیروان و دلدادگان اهل بیت علیهم‌السلام نیز شده است؛ تا آنجا که عزیمت به این سفر پربرکت، کاری احمقانه و شیوه‌ای عقب‌افتاده معرفی می‌شود!

• روایتی که در پی می‌آید، به یکی از همین اتفاقات نامیمون اشاره می‌کند و در عین حال نشان‌دهنده‌ی دفاع همه‌جانبه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام از قبله‌ی مسلمانان است.

ابن‌ابی‌العوجاء* برای بازداشتن کسانی که حج به جا می‌آوردند، به مکه

* وی فردی بود از شاگردان حسن بصری که از مسیر توحید فاصله گرفت. به او گفته شد که چرا از

آمده بود؛ دانشمندان به خاطر بدزبانی و درون فاسدش، از هم نشینی و گفت‌وگو با وی دوری می‌کردند. او با جماعتی از افرادِ مثل خودش خدمت امام صادق علیه السلام رسید و به ایشان عرض کرد: ای ابا عبدالله! همانا مجالس، امانتند (شایسته نیست جایی بازگو شوند). اگر کسی را سرفه گرفته ناچار است که سرفه کند! آیا رخصت می‌دهی حرفم را بگویم؟

حضرت علیه السلام فرمودند: بگو!

فقال: إلى كم تدوسون هذا البيدر و تلوذون بهذا الحجر و تعبدون هذا البيت المعمور بالطوب و المدر و تهرولون حوله هرولة البعير اذا نفر؟! گفت: چقدر همچون سنگ آسیاب بر روی این زمین می‌گردید*
و به این سنگ پناه می‌آورید و این خانه را که با آجر و خشت گلی ساخته شده، می‌پرستید و شتابان چون شتر گریزان، گردش راه می‌روید؟!

همانا کسی که بیندیشد و بسنجد خواهد دانست که این، کاری است بنیان‌نهادده شده به دست فردی غیر حکیم و بی‌فکر!
تو بگو! تو که سرآمد این امری و در قلّه‌ی آنی (پیشوای آن‌هایی و اهتمامت از همه بیشتر است) و پدرت (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) اصل و اساس و آخر این کارها بوده است!

مذهب صاحب (استادت) فاصله‌گرفتی و داخل در مذهبی شدی که اساسی ندارد؟ گفت: صاحب من دچار التقاط شده [و حرف‌هایش با هم جور نیست]. رک الکافی: ج ۴ ص ۱۹۷ حدیث ۱
از این رو یکی از عوامل انحرافش از مسیر توحید، عدم مراجعه به حجت خدا جهت یادگیری معالم دینش بود. شایان ذکر است حسن بصری نیز از سران منحرفین زمانه‌ی خود بوده است.

* یعنی این مطلبی است که چاره‌ای جز گفتنش ندارم!

** جسارت کرد و چرخیدن حاجیان به دور کعبه را به گردش آسیاب، روی سنگش تشبیه نمود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا آن کس که خداوند او را [به سبب فرورفتن در باطل] گمراه و کوردل گردانیده، قبول حق برایش سنگین و ناگوار خواهد بود و شیطان که سرپرست و صاحب و همراهش است، او را به سرچشمه‌های هلاکت می‌رساند و هرگز او را بر نمی‌گرداند!

هذا بيت استعبد الله به خلقه ليختبر طاعتهم في إتيانه فحتمهم على تعظيمه وزيارته وجعله محلّ أنبيائه و قبله للمصلين إليه فهو شعبة من رضوانه و طريق يؤدى إلى غفرانه منصوب على استواء الكمال و مجمع العظمة و الجلال خلقه الله قبل دحو الأرض بألفى عام فأحق من أطيع فيما أمر و انتهى عما نهى عنه و زجر الله المنشئ للأرواح و الصور.^{۴۶}

این خانه‌ای است که خداوند به سبب آن آفریده‌های خویش را به بندگی فراخواند تا فرمان برداری آنان را در انجام این کار بیازماید. پس آن‌ها را بر تعظیم و زیارت آن واداشته و آن را جایگاه رسولانش و قبله‌ای برای نمازگزاران قرار داده است. پس این، شاخه‌ای است از رضوان الهی و راهی برای رسیدن به بخشایش او و در نهایت اعتدال و محل اجتماع [و مظهر] بزرگی و جلالت است. خداوند آن را دوهزار سال قبل از گسترده شدن زمین آفرید. پس آن [کسی] که شایسته‌ترین است به اطاعت شدن در آنچه امر کرده و سزاوارترین است به دوری‌گزیدن از آنچه نهی کرده، خداوند آفریننده‌ی ارواح و صورت‌هاست.

• شایسته است نیک بنگریم سخن امام علیه السلام را که چگونه پاسخ تفکری را می‌دهد که گردیدن دور "بیت‌العتیق" را تحقیر و استهزاء می‌کند! آنچه امروز حتی میان برخی متشرعان و متدینان شیوع و رواج یافته که "کعبه آن سنگ نشان نیست که ره گم نشود...!" از همین قبیل است. کسی منکر آن نیست که پذیرش هر عبادتی متوقف بر شروطی است که مهمترین آن‌ها قبول ولایت حجج الهی علیهم السلام است؛ و البته این به معنای نادیده گرفتن خود عبادت و یا اهانت به آن نیست!

• همه‌ی مناسک و عبادات، نیازهای زندگانی انسان مؤمن است برای رسیدن به رضای پروردگار متعال و از این حیث، حائز اهمیت فراوان‌اند. لذا هرگز جواز کوچک شمردن کمترین آن‌ها را نداریم؛ چه رسد به این عبادت عظیم در آن جایگاه فخیم که از ستون‌های اساسی دین و برخوردار از منزلتی والا است.

• حال چه می‌شود که گروهی برای کاستن جمعیت گرد خانه‌ی خدای متعال، این چنین گریبان چاک می‌کنند؟ آیا این شیوه، بازخوانی نگاه ابن‌ابی‌العوجاء در عصر ما نیست؟ مروری در گفتگوهای حقیقی و مجازی مردم، گویای این حقیقت تأسف بار است که این نگرش - که نیازی نیست تا آنجا بروی و خدا را عبادت کنی -، به لایه‌های عمیقی از اجتماع، راه یافته است و برتری دادنِ ناچیزترین نیازهای زندگی دنیا بر حج نشان‌ه‌ای از همین اندیشه است. شگفت اینجاست که پس از آن و با چهره‌ای حق به جانب و از موضع بیان وحی الهی، شاهد از شعر آورده می‌شود!!

• آن‌ها که چشم به کلام نورانی امام صادق علیه السلام دوخته‌اند، خود را با پاسخ ایشان به ابن‌ابی‌العوجاء سیراب می‌کنند. چنان می‌پندارند که آنچه رب العالمین برای آنان مطلوب بدارد، به سودشان و آنچه را که او برحذر دارد، به ضررشان خواهد بود. سفر به این خانه که به دستور او بنا شده

و محل بروز و ظهور بندگی گردیده، همواره سرآمد آمال اهل ایمان بوده و هست. نباید فراموش کنیم تنها، کسی می‌تواند در شرایط نابسامان اقتصادی و معیشتی، برای چنین سفری هزینه کند که خود را تسلیم اوامر خداوند کند و او را تصمیم‌گیرنده در زندگی خویش بداند.

• مخفی نماند گاه این مصراع می‌تواند شاهدِ مطلب حقی قرار گیرد؛ آن مطلب حق که آموزه‌ای از آموزه‌های روایات بوده - و در همین نوشتار نیز آمده است - توقف حج بر شناخت امام زمان عجل الله فرجه است. چراکه حج بی‌امام و هر عبادتی بدون قبول ولایت ولی‌الله، بی‌معنا و طبق روایات، مبعوض پروردگار متعال است. این نکته اگر چه حق است اما برای دور کردن مخاطب از بدفهمی و کژروی، شایسته است از شاهد آوردن این مصراع، پرهیز شود. ان شاء الله در فصل‌های آینده از این موضوع مهم، بیشتر خواهیم گفت.

فصل دوم

اهمیت حج

جایگاه حج و لزوم آن

عقوبت ترک حج

فضایل و فواید مناسک حج و عبادت در حرم



جایگاه حج

و لزوم آن

• پس از مرور برخی از روایات مربوط به عظمت و فضیلت "حرم"، اینک منزلت و اهمیت حج و عمره را در میان روایات می‌کاویم تا جایگاه این عبادت عظیم بیش از پیش تبیین شود. مطالعه‌ی روایات ابواب حج، نشان می‌دهد که این روایات از جنبه‌های مختلف قابل بازخوانی هستند.

به عنوان مثال، برخی جایگاه حج را در پیکره‌ی کلی اسلام و ایمان مشخص نموده‌اند. برخی دیگر، وجوب و لزوم آن را گوشزد کرده‌اند. دسته‌ای از روایات نیز به بیان عقوبت کسانی می‌پردازند که یا حج نمی‌گذارند یا بنای بازگشت به این سرزمین مقدس ندارند و یا آن را به آینده موکول می‌کنند؛ آخرین گروه از روایات که ما را به اهمیت مناسک رهنمون می‌شوند، روایاتی در فضایل و فواید اعمال و مناسک حج است.

ستون‌های اسلام

• روایات بسیاری وجود دارد که حج را یکی از ارکان و ستون‌های دین معرفی می‌کند؛ در اینجا، تنها به یکی از این روایات اشاره می‌شود:

عن أبي حمزة عن أبي جعفر عليه السلام قال: بنى الاسلام على خمس على الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم يناد بشيء كما نودى بالولاية.^{۴۷}

ابو حمزه از امام باقر عليه السلام نقل کرده است که فرمودند:

اسلام بر پنج [پایه] بنا نهاده شده است. بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت؛ و به چیزی [که در مرتبه اهمیت ولایت باشد] ندا داده نشده، آن چنان که در مورد ولایت ندا داده شده است.

• مرزهای ایمان
برخی روایات چون روایت زیر، حج را جزء حدود و مرزهای ایمانی انسان معرفی کرده‌اند.

عجلان به امام صادق عليه السلام عرض کرد: مرا از حدود و مرزهای ایمان آگاه سازید. حضرت عليه السلام فرمودند:

شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله والإقرار بما جاء به من عند الله وصلوات الخمس وأداء الزكاة وصوم شهر رمضان وحج البيت وولاية وليتنا وعداوة عدونا والدخول مع الصادقين.^{۴۸}

[مرزهای ایمان] گواهی دادن به این است که معبودی غیر از الله نیست و اینکه محمد صلى الله عليه وآله فرستاده‌ی خداوند است و اقرار به آنچه از جانب خداوند آورده است و نمازهای پنجگانه و پرداخت زکات و روزه‌ی ماه رمضان و حج خانه [خدا] و ولایت ولی ما و دشمنی با دشمن ما و همراهی با صادقین* است.

* بر اهل تحقیق پوشیده نیست که مراد از صادقین در این روایت خود معصومین عليهم السلام

هستند؛ چنانکه در روایات، ذیل "صادقین" چنین گفته شده است؛ از جمله هنگامی که راوی از امام باقر عليه السلام در مورد آیه‌ی شریفه «اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» سؤال کرد، ایشان

فرار به
سمت خدا

عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام قال:
﴿ فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكَمُ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴾^{۴۹}
قال عليه السلام: حجوا إلى الله ﷻ.^{۵۰}

امام باقر عليه السلام ذیل آیهی " فرار کنید به سوی خداوند! به یقین من
برای شما انذار کننده‌ی آشکارم " فرمودند:
[منظور این است که] برای خدا حج به جای آورید.

وجوب حج
در باره‌ای از
آیات و روایات

﴿ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ
فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي وَعَنْ عَالَمِينَ ﴾^{۵۱}
و برای خدا حقی بر مردم است که قصد خانه‌ی کعبه کنند آن‌ها
که توانایی دارند و راه برایشان باز است و آن‌که ناسپاسی و رزد
[به خود زیان رسانده] زیرا خداوند، بی‌نیاز از جهانیان است.

دروایت
در ذیل آیه

• در ذیل همین آیه، دو روایت شایسته‌ی تأمل و بررسی است:
فردی نامه‌ای برای امام صادق عليه السلام نوشت تا پاسخ سؤالاتش را از ایشان
دریافت کند؛ یکی از سؤال‌ها درباره‌ی آیه‌ی بالا بود که در پاسخ چنین آمد:
یعنی به الحجّ و العمرة جمیعاً لأمّهما مفروضان.^{۵۲}
مقصود از آن [آیه]، هم حج و هم عمره است؛ چرا که هر دو
واجبند.

در روایت دیگر از منکر و وجوب حج، به " کافر " * تعبیر شده است:

فرمودند: إیانا عنی. [از لفظ صادقین] فقط ما را قصد نموده است. الکافی: ج ۱ ص ۲۰۸

* از آنجا که این نوشتار در صدد بیان تعریف فقهی کفر نیست، جهت فهم معنای فقهی کفر و لوازم
شرعی آن به کتب فقهی مراجعه شود.

روى على بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال:

إِنَّ اللَّهَ ﷻ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجَدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ
 ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ
 اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

قال قلت و من لم يحجّ منّا فقد كفر؟ فقال عليه السلام: لا ولكن من قال
 ليس هذا هكذا فقد كفر.^{۵۳}

خداوند ﷻ حج هر ساله را برای کسانی که دارای مال و مکتب
 هستند واجب فرمود* و این قول خداوند ﷻ است که: و برای خدا
 حقی بر مردم است که قصد خانه ی کعبه کنند آن ها که توانایی دارند
 و راه برایشان باز است و آن که ناسپاسی ورزد [به خود زیان رسانده]
 زیرا خداوند، بی نیاز از جهانیان است.

راوی می گوید عرض کردم: [آیا معنای انتهای آیه این است که]
 هر کس از ما حج به جا نیاورد کافر است؟ حضرت عليه السلام فرمودند:
 نه؛ ولی اگر بگویند که این گونه نیست [که حج واجب باشد]، پس
 حتماً کافر شده است.

به علاوه در ذیل آیه ی: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ آمده است که آن دو
 (عمره و حج) واجب شده اند.^{۵۴}

• شاید روایت بعد، برای کسانی که نگاهشان به این عبادت عظیم نه
 غیرتمندانه، که سهل انگارانه است، عبرت آموز و انگیزاننده باشد:
 عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق عليه السلام پرسید: آیا حج برگردن غنی و فقیر
 است؟

حضرت عليه السلام فرمودند: حج بر [عده ی] همه ی مردم، بزرگ و کوچکشان،

* در مورد این فراز از حدیث، در فصل آینده سخن بیشتری به میان خواهد آمد. رک فصل ۳ ص ۶۰

قرار داده شده است؛ اگر کسی عذری داشته باشد، خداوند عذرش را می‌پذیرد.^{۵۵*}

ترک یا عقب انداختن بی‌دلیل سفر حج
مرگ
یهودی یا نصرانی

عن ذریح المحاربی عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من مات ولم يحجّ حجة الاسلام لم يمنعه من ذلك حاجة تحجف به أو مرض لا يطيق فيه الحجّ أو سلطان يمنعه فليمت يهودياً أو نصرانياً.^{۵۶}

ذریح محاربی از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمودند: کسی که مرگش فرا رسد و حج واجبش را به‌جا نیاورده در حالی که از انجام حج، او را منع نکرده است نیازی که او را به مشقت اندازد یا بیماری که تاب و توان حج را از او بگیرد یا سلطانی که او را باز دارد، پس باید به مرگ یهودی یا نصرانی بمیرد!

کوری روز قیامت

عن أبي بصير قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من مات وهو صحيح موسر لم يحجّ فهو ممن قال الله ﷻ « وَتَحْسُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى »^{۵۷}

قال قلت سبحان الله أعمى؟! قال نعم إن الله ﷻ أعماه عن طريق الحق.^{۵۸}

ابوبصیر از امام صادق عليه السلام نقل کرد که فرمودند:

کسی که بمیرد و با وجود سلامت و گشایش [مادی] حج نگذارد، در زمره‌ی کسانی است که خداوند ﷻ در موردشان فرمود:

" و روز قیامت کور محشورش می‌کنیم."

ابوبصیر عرض کرد: سبحان الله! کور [محشور می‌شود]؟!

* بدیهی است مضمون این روایت مغایرتی با احکام حج و استطاعت در آن ندارد و مراد از بیان

روایت، تأکیدی بر جایگاه اساسی حج است. برای مطالعه‌ی بیشتر رک مرآة العقول: ج ۱۷ ص ۱۴۲

حضرت علیه السلام فرمودند: آری؛ همانا خداوند ﷻ او را از [دیدن] مسیر حق، کور می‌گرداند!

• وقتی امام صادق علیه السلام، عَلت حج نگزاردن سماعه را پرسیدند، او گفت به خاطر معامله‌ای که با گروهی داشتم و کارهایی که مشغولشان بودم، مشرف نشدم و امید است که خیر باشد!
حضرت علیه السلام فرمودند:

لا والله ما فعل الله لك في ذلك من خيرة ثم قال ما حبس عبد عن هذا البيت إلا بذنب...^{۵۹}
نه، به خدا سوگند، خداوند در آن [حج نرفتن] خیری برایت ننهاده است؛ سپس فرمود: هیچ کسی از این خانه [کعبه] حبس [و محروم] نمی‌شود مگر به واسطه گناهی ...

عن أبي عبد الله علیه السلام قال: لو ترك الناس الحج لما نظروا العذاب أو قال أنزل عليهم العذاب.^{۶۰}
امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر مردم به جا آوردن حج را ترک نمایند، مهلتی در عذاب به آن‌ها داده نمی‌شود و یا فرمودند که عذاب بر آنان نازل می‌گردد.

• روایات دیگری نیز هستند که به آینده موکول کردن حج را، نکوهش کرده‌اند! چند نمونه از این روایات را مرور می‌کنیم:
هنگامی که ابوبصیر در مورد آیه ﴿وَمَنْ كَانَتْ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ

گناه، مانع
به جا آوردن حج

ترک حج
و عذاب الهی

عواقب به آینده
موکول کردن حج

أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا* از امام صادق علیه السلام پرسید، حضرت فرمودند:
 ذلك الذي يسوّف نفسه الحجّ يعني حجّة الاسلام حتى يأتيه
 الموت.^{۶۱}

او کسی است که حج خود را یعنی حجّ واجبش را، [بی جهت] به
 آینده بیندازد تا [لحظه ای که] مرگش فرا رسد.

• در روایات دیگر نیز، برخی افراد که حج را به آینده موکول می کنند، به
 شدت مذمّت شده اند. مثلاً در مورد تاجری که چنین می کند آمده است:

ليس له عذر و إن مات فقد ترك شريعة من شرائع الإسلام.^{۶۲}
 [چنین شخصی] عذرو بهانه ای ندارد و اگر بمیرد یکی از شرایع اسلام
 را ترک کرده است!

• دردا که با وجود چنین اشاراتی صریح به عواقب ترک این عبادت عظیم،
 همچنان عده ای با بهانه های واهی، خود را در دنیا و آخرت، از مواهب حج
 محروم می کنند!

این در حالی است که تنها کسانی از مهلکه ی کوری آخرت، به سلامت
 خارج می شوند که سراپا تسلیم این برنامه ی الهی باشند.

- آخرین بخش از اموری که اهمیت و منزلت این مناسک را برای ما
 فضایل و فواید
- تبیین می کند، روایات بسیاری است که فواید و فضایل لحظه به لحظه ی
 مناسک حج و عمره را توضیح داده اند؛ جان به فدای اولیای دین و خلفای
 و عبادت در حرم
- الهی که اگر نبودند، این سفره ی معارف، هرگز پیش روی ما نبود!
- اکنون طّرفی از این دریای نورانی را، پیش روی تشنگان زلال معارفشان

* کسی که در این [دنیا] کوردل باشد در آخرت نیز کور [و از کوری در دنیا] گمراه تر خواهد بود.

قرار می‌دهیم.

ابتدا این روایت که به تنهایی برطرف‌کننده‌ی هرگونه تردید و شبهه، در رفتن بی‌درنگ به حج است:

عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما من سفر أبلغ في لحم ولا دم ولا جلد ولا شعر من سفر مكة وما أحد يبلغه حتى تناله المشقة. ^{۶۳}

هشام از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمودند: هیچ سفری تأثیرگذارتر از سفر مکه در گوشت و خون و پوست و موی انسان نیست و کسی به آن نمی‌رسد مگر آنکه به سختی دچار می‌شود (مشقت و سختی جزء لاینفک این سفر است).

• شگفتا از سفری که حتی مَرکب مسافرش هم، از نگاه پرمهر این آیین مقدّس، بی‌نصیب نمانده است! برخی روایات، شتری را که در سه یا هفت حج، همراه و مرکب انسان بوده، از نعمات بهشت برشمرده‌اند! ^{۶۴}

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: حجّوا و اعتمروا تصحّ أبدانكم و تتسع أرزاقكم و تكفون مؤنات عيالكم و قال الحاجّ مغفور له و موجب له الجنة و مستأنف له العمل و محفوظ في أهله و ماله. ^{۶۵}

از امام صادق عليه السلام نقل شده که حضرت زین العابدین عليه السلام فرمودند: حج و عمره به جای آرید تا بدن هایتان سالم و روزی‌تان وسیع شود و در فراهم آمدن مایحتاج عیالتان، کفایت شوید. و فرمود: [گناهان] حاجی، بخشوده شده است و بهشت براو

فواید حج

در دنیا و آخرت

واجب شده و عملش از سر گرفته می‌شود [که گویی هیچ گناهی در صحیفه‌ی عملش وجود ندارد!] و خانواده و اموالش محافظت می‌شوند.

همچنین از روایات، این‌گونه بر می‌آید که خداوند متعال ضمانت نموده، حاجی را یا به خانواده‌اش برساند و یا اگر او را از این دنیا ببرد، به بهشت وارد نماید.^{۶۶}

• اگرچه سفر حج مستلزم صرف هزینه‌ی بسیار است، اما با این حال فزونی اموال موجب فزونی اموال نیز می‌شود و این مضمون را در بسیاری از روایات می‌توان دید:

عن إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني قد وطّنت نفسي على لزوم الحجّ كلّ عام بنفسي أو برجل من أهل بيتي بمالي. فقال عليه السلام: وقد عزمت على ذلك؟ قال قلت: نعم. قال عليه السلام: إن فعلت فأبشربكثرة المال.^{۶۷}

اسحاق بن عمار خدمت امام صادق عليه السلام عرض کرد: من خودم را آماده کرده‌ام که هر سال، یا خودم حج به جا آورم یا هزینه‌ی حج یک نفر از خانواده‌ام را بپردازم.

حضرت عليه السلام فرمودند: آیا قطعاً چنین عزمی داری؟ گفتم: بله. فرمودند: اگر چنین نمایی، بشارت باد بر تو به فزونی اموال!

• با اینکه قرض کردن از دیگران در وهله‌ی اول، امری پسندیده نیست، اما گاهی تجویز و حتی توصیه شده است و این، نشان‌دهنده‌ی اهمیت موضوعی است که برای آن، قرض می‌کنند. یکی از اموری که در روایات برای آن جواز و یا حتی توصیه به قرض کردن آمده، سفر حج است.

قرض کردن
به خاطر حج

عن يعقوب بن شعيب قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل يحجّ بدين و قد حجّ حجة الاسلام قال عليه السلام: نعم إن الله سيفضى عنه إن شاء الله.^{۶۸}

يعقوب بن شعيب می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره ی مردی سؤال کردم که پول قرض می کند و به حج می رود در حالی که حجة الاسلام (حج واجبش) را به جا آورده است. حضرت عليه السلام فرمودند: بله؛ [این، کار درستی است] همانا خداوند به زودی از سوی او دینش را ادا می نماید ان شاء الله.

در روایاتی دیگر نیز آمده است: اگر مالی دارد که وقتی برایش اتفاقی افتاد، قرضش از آن مال ادا شود، این کار اشکالی ندارد.^{۶۹}

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الحاج والمعتمر وفد الله إن سأله أعطاهم وإن دعوه أجابهم وإن شفّعوا شفّعهم وإن سکتوا ابتدأهم و يعوّضون بالدرهم ألف ألف درهم.^{۷۰}

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: حاجی و عمره گزار بر خداوند وارد شده اند [و در معرض رحمت خاص پروردگار متعال هستند]؛ اگر از او خواهشی کنند، به آنها می بخشد و اگر او را بخوانند، اجابتشان می کند و اگر شفاعت کنند، شفاعتشان پذیرفته می شود و [حتی] اگر سکوت کنند [و چیزی طلب نکنند] برایشان آغاز به نعمت می کند و در مقابل یک درهم، یک میلیون درهم به آنها می دهد.

نگاه ویژه

پروردگار متعال

به مهمان هایش

• مرد انصاری به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: حاجتی دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر می خواهی تو از خواستهات بگو و اگر می خواهی خودم بگویم [که سؤال چیست]! عرض کرد: ای رسول خدا شما خبرم دهید!

بیان گوشه ای از

اعمال و مناسک

و نتایج آن

حضرت ﷺ فرمودند: آمده‌ای تا از حج و طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه و سنگ‌زدن به جمره‌ها و تراشیدن سر و روز عرفه بپرسی .
عرض کرد: آری؛ سوگند به آنکه تو را به درستی برگزید.
فرمودند:

لا ترفع ناقتك خفّاً إلا كتب الله به لك حسنةً ولا تضع خفّاً إلا حطّ
به عنك سيئةً و طواف بالبيت و سعی بين الصفا و المروة تنفثل كما
ولدتك أمك من الذنوب و رمى الجمار ذخر يوم القيامة و حلق
الرأس لك بكلّ شعرة نور يوم القيامة و يوم عرفة يوم يباهى الله ﷻ
به الملائكة فلو حضرت ذلك اليوم برمل عالج و قطر السماء و أيام
العالم دنوباً فإنه تبتّ ذلك اليوم .^{۷۱}

[در این سفر] ناقه‌ات، پایش را [از زمین] بلند نمی‌کند مگر آنکه
خداوند در ازای آن برایت حسنه‌ای می‌نویسد و پایش را [روی زمین]
نمی‌گذارد مگر آنکه به سبب آن، گناه و لغزشی از تو فرو می‌ریزد و با
طواف خانه (کعبه) و سعی بین صفا و مروه از گناه پاک می‌شوی؛
انگار که مادرت [دوباره] تو را به دنیا آورده است؛ سنگ‌زدن به
جمره‌ها ذخیره‌ی روز قیامت است و [با] تراشیدن سر، در مقابل هر
تار مو، نوری در قیامت به تو داده می‌شود و روز عرفه روزی است که
خداوند ﷻ به آن در برابر ملائکه اش مباحثات می‌کند؛ پس اگر در آن
روز حاضر شوی در حالی که گناهی به اندازه‌ی ریگ [انباشته‌ی]
بیابان و باران آسمان و روزهای عالم داشته باشی، آن گناهان از تو
جدا می‌شود.

شیخ صدوق (ره) روایت بالا را با تفصیل بیشتر و اندکی اختلاف در برخی
تعبیر نقل کرده است؛ در فرازی از آن آمده:

فإذا طفت بالبيت أسبوعاً كان لك بذلك عند الله عهد و ذكر

يستحي منك ربك أن يعذبك بعده فإذا صليت عند المقام ركعتين كتب الله لك بهما ألفي ركعة مقبولة و إذا سعت بين الصفا والمروة سبعة أشواط كان لك بذلك عند الله ﷺ مثل أجر من حج ماشياً من بلاده و مثل أجر من أعتق سبعين رقبة مؤمنة.^{۷۲}

وقتی برگرد خانه [کعبه] هفت دور طواف کنی، در مقابل آن برای تو پیمان و یادی نزد پروردگارت هست که بعد از آن، از عذاب کردن تو، حیا می‌کند. پس زمانی که نزد مقام، دو رکعت نماز گزاری، در قبال آن، دو هزار رکعت مقبول برایت می‌نویسد و آن‌گاه که هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه نمایی، پاداش تو نزد خداوند ﷻ مانند کسی است که از دیارش با پای پیاده حج گزارده و آنکه هفتاد بنده‌ی مؤمن را آزاد کرده است.

• درباره‌ی فضیلت خواندن نماز در مسجد الحرام این چنین آمده است:

ومن صلى في المسجد الحرام صلاة واحدة قبل الله ﷻ منه كل صلاة صلاها و كل صلاة يصلها إلى أن يموت.^{۷۳}

کسی که در مسجد الحرام نمازی بخواند، خداوند ﷻ هر نمازی را که خوانده و هر نمازی را که تا لحظه‌ی مردن بخواند، می‌پذیرد.

همچنین در روایتی، نماز در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز در اماکن دیگر شمرده شده است!^{۷۴}

تعبیر بالا برای نماز در مسجد الحرام، آن‌گاه جلوه‌ی بیشتری می‌یابد که همراه با عبارت زیر درباره‌ی سجده در مکه، در نظر گرفته شود!

الساجد بمكة كالمتشحط بدمه في سبيل الله ﷻ.^{۷۵}

سجده‌کننده‌ی در مکه مانند کسی است که در راه خداوند ﷻ، در خون خود بغلتد!

نماز در

مسجد الحرام

- پس از پایان یافتن مناسک خدانود گناهانش را می‌آموزد و تا چهار ماه برایش حسنات ثبت می‌شود و سیئاتش نوشته نمی‌شود مگر آنکه کاری کند که موجب [آتش یا کفر] باشد. بعد از چهار ماه [در محاسبه‌ی نیکی‌ها و بدی‌ها]، به جمع مردم دیگر درمی‌آید!^{۷۶}
- آیا برای اینکه اهمیت این اعمال را دریابیم، مطلبی باقی مانده که اولیای دین و حضرات اهل بیت علیهم‌السلام به ما فرموده باشند؟! با خواندن این روایات - که قطره‌ای از دریای علوم و معارف آنان است - آیا رواست همچنان خود را گرفتار مشاغل دنیا نموده و از فیض "حج" بهره‌مند نگردیم؟!

فصل سوم

حج دوباره و چندباره

مطلوبیت تکرار و تعدّد حج

• امروزه شاید کمتر کسی را بباییم که پس از مشرف شدن به سفر معنوی حج، عزمی دوباره یا چندباره برای رفتن به این سفر داشته باشد. چه بسا در ذهن بسیاری از متدینین تکرار حج در شرایط فعلی امری غیرضروری و بلکه ناشایست می باشد.

روایات اما چنین رویکردی ندارند. مضامین و تعبیری چون توصیه به تکرار هرساله‌ی حج و مذمت تجدید نکردن آن و عقوبتِ نداشتنِ عزم و اراده برای بازگشت به این سرزمین و ... از جمله عناوینی هستند که در روایات زیادی دیده می شوند.

این مسأله با عنایت به مشابهت حج در عصر حاضر با روزگار پیشین - خاصه عصر صدور روایات - به لحاظ پرهزینه بودن حج یا سلطه‌ی حکام جور بر منطقه‌ی حجاز، اهمیت فوق العاده‌ای پیدا می کند. گویا علی رغم همه‌ی

این مشکلات و موانع، شارع مقدس می‌خواهد خیل طواف کنندگان، دور این خانه بگردند و مناسک مرتبط با آن را به‌جا آورند.*

• جایگاه والای تکرار تشرّف به حج و عمره، از اموری است که جای تردید ندارد. بنابر نقل روایات، امام مجتبی علیه السلام بیست حج با پای پیاده به‌جا آوردند؛^{۷۷} همچنین حضرت زین العابدین علیه السلام، چهل حج به‌جا آوردند.^{۷۸} امام صادق علیه السلام به شخصی فرمودند: چه چیز مانع شده که هر سال به حج بروی؟

تشرّف‌های

مکرر به حج

عرض کرد: فدایتان شوم؛ خانواده [مانع حج هرساله شده است].
فرمودند:

إِذَا مَتَّ فَمَنْ لِعِيَالِكَ؟! أَطْعَمَ عِيَالِكَ الْخَلَّ وَالزَّيْتِ وَحَجَّ بِهِمْ كُلَّ
سَنَةٍ.^{۷۹}

وقتی بمیری عیالت چه کسی را دارند؟! به خانواده‌ات [غذایی چون] سرکه و روغن زیتون - کنایه از طعام ساده - بده و هرسال، با آن‌ها حج بگزار.

• در برخی روایات آمده که خداوند متعال حج هرساله را بر اغنیا لازم نموده است!^{۸۰}

در خصوص این روایات و مراد از آن‌ها بین فقها مباحثات و گفت‌وگوهایی شکل گرفته است. بیشتر علما، این روایات را شواهدی بر استحباب مؤکد دانسته یا حمل بر وجوب حج مستقر کرده‌اند. گروهی نیز آن روایات را

* فصل بعدی این کتاب، پاسخ به شبهات کسانی است که شأن حج یا تکرار آن را پایین تر از سایر امور خیر مانند صدقه دادن به نیازمندان می‌دانند. در این فصل صرفاً به مسأله‌ی مطلوبیت تکرار حج و عقوبت ترک آن خواهیم پرداخت.

دلیل بر وجوب کفایی بر شمرده‌اند تا مکه از حجاج خالی نماند؛ با این وجود از برخی فقهای پیشین نقل شده است که فتوا به وجوب حج هرساله برای توانگران و ثروتمندان داده‌اند.

• در این میان آنچه بسیار اهمیت دارد لحن مؤکد روایات درباره‌ی برگزاری هرساله‌ی حج است که همه‌ی فقها و علمای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند.

روایات زیر نیز، گویای توجه ویژه‌ی اولیای دین به تکرار چندباره‌ی حج است.

سه حج

کسی که سه حج به جا آورد

لم یصبه فقراً أبداً.

هرگز گرفتار فقر نمی‌شود.

این شخص چه دوباره به حج برود یا نرود "مُذْمِنُ الْحَجِّ" * به شمار می‌آید.

چهار حج

کسی که چهار حج به جا آورد

لم تصبه ضغطة القبر أبداً.

هیچ‌گاه دچار فشار قبر نمی‌شود.

جالب اینجاست که در ادامه روایت آمده، خداوند ﷻ حج‌هایی که به جا آورده است را در نیکوترین صورت پیش چشمانش می‌آورد و آن صورت نیکو در دل قبرش نماز می‌گزارد و ثواب این نماز برای این شخص خواهد بود. آن هم چه نمازی! نمازی که رکعتی از آن با هزار رکعت از نماز آدمیان برابری می‌کند.

پنج حج

کسی که پنج حج به جا آورد

لم یعدّ به الله أبداً.

خداوند هرگز عذابش نمی‌کند.

* کسی که به مجرد یافتن راهی برای حج گزاردن، به حج می‌رود. الکافی: ج ۴ ص ۵۴۲

ده حج

کسی که ده حج به جا آورد
لم يحاسبه الله أبداً.

خداوند هیچ‌گاه او را مورد محاسبه قرار نمی‌دهد.

بیست حج

کسی که بیست حج به جا آورد

لم یر جهنّم و لم یسمع شهيقها ولا زفيرها.

جهنم را نمی‌بیند و صدای [مهیب] فروکش کردن و زبانه کشیدنش را نمی‌شنود.

چهل حج

کسی که چهل حج به جا آورد

قیل له اشفع فیمن أحببت و یفتح له باب من أبواب الجنة یدخل منه هو و من یشفع له.

به او گفته می‌شود: هرکه را می‌خواهی شفاعت‌کن و دری از درهای بهشت به رویش گشوده می‌گردد و به همراه کسانی که شفاعتشان نموده، از آن در وارد می‌شوند.^{۸۱}

• در برخی از روایات، وعده‌ها چنان بزرگ و به ظاهر دست‌نیافتنی است که بیم آن می‌رود اهل ریب و شک، در آن وعده‌ها گرفتار شهبه شوند در حالی که إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ!

• برای شتافتن به حج و تکرار چندباره‌ی آن، به همین موارد اکتفا می‌کنیم که العاقل یکفیه الاشارة. این‌ها تنها بخشی از میراث روایی ما در مطلوبیت تعدد حج است! چرا به جای اجابت خواسته‌ی معصومین عليه السلام

در این نصوص شریف، گرفتار شهبات جاهلان و دین‌ستیزان شویم؟

• ممکن است تصور شود زیاد حج رفتن، انسان را دچار گرفتاری‌های مالی

یا ابتلا به بیماری می‌کند؛ حال آنکه در روایات آمده است:

مدمن الحج، گرفتار فقر و تب نمی‌شود.^{۸۲}

• پس از واکاوی منابع حدیثی، با تعبیری نظیر " في عامي هذا وفي كل عام " * در جای جای آثار و ادعیه‌ی نقل شده از اهل بیت علیهم السلام، مواجه می‌شویم. **
این تأکید، خود نشان دهنده‌ی اهمیت حج هر ساله و زیارت هر ساله‌ی حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و خاندان مطهرش علیهم السلام می‌باشد.
به عنوان نمونه، امام زین العابدین علیه السلام ضمن نیایشی در صحیفه‌ی سجاده این چنین فرموده‌اند:

اللَّهُمَّ وامن علي بالحج والعمرة، وزيارة قبر رسولك، صلواتك عليه ورحمتك وبركاتك عليه وعلى آله وأل رسولك عليهم السلام أبداً ما أبقيتني في عامي هذا وفي كل عام.^{۸۳}
خداوند! حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت و خاندان او - صلوات بر او باد و رحمت و برکاتت بر او و بر آتش - را همیشه تا هستم، امسال و هر سال روزی ام نما!

همچنین در دعایی که به ابو حمزه ثمالی آموخته‌اند، حج هر ساله را از خداوند متعال مسألت نموده‌اند. جالب آنکه دعا برای روزی حج هر ساله در حین انجام برخی از مناسک حج نیز وارد شده است.^{۸۴}

• عیسی بن ابی منصور گفت امام صادق علیه السلام به من فرمودند:
يا عيسى إني أحب أن يراك الله صلى الله عليه وسلم فيما بين الحج إلى الحج وأنت تتهيأ للحج.^{۸۵}
ای عیسی! همانا دوست می‌دارم خداوند صلى الله عليه وسلم تو را از این حج تا حج بعدی در حالی ببیند که داری برای سفر حج مهیا می‌شوی.

دوست دارم
خداوند صلى الله عليه وسلم
تو را در این
حال ببیند

* یعنی در این سال و در هر سال

** پوشیده نماند که بسیاری از معارف اهل بیت علیهم السلام در قالب دعا و مناجات به ما رسیده است.

در روایت دیگر آمده است:

کسی که پس از بازگشت از حج، نیت حج بعدی را داشته باشد عمرش زیاد می‌شود.^{۸۶}

• وقتی که بنایت باشد که هر سال به حج بروی و یک سال نتوانستی که مشرف شوی، ملائکه‌ای که روی زمین‌اند به ملائکه‌ای که روی کوه‌ها هستند می‌گویند:

ما صدای فلانی را نمی‌شنویم! پس می‌گویند: دنبالش بروید. به دنبالش می‌روند و او را نمی‌یابند؛ پس می‌گویند:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ حَبْسَهُ دِينَ فَأَدِّعْهُ أَوْ مَرَضَ فَاشْفِهِ أَوْ فَقْرَ فَأَغْنِهِ أَوْ حَبْسَ فَفَرِّجْ عَنْهُ أَوْ فَعَلَ فَاغْلِبْ بِهِ ...^{۸۷}

پروردگارا! اگر بدهی مانع آمدنش شده است، آن را ادا کن! یا اگر بیماری، پس شفایش ده! یا اگر تنگدستی، پس بی‌نیازش فرما! یا اگر حبس، پس برایش گشایشی پدید آور یا اگر کاری [مانعش شده] آن را انجام ده! مردم در حال دعا برای خودشان‌اند و آن‌ها برای کسی دعا می‌کنند که نیامده است!

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من مضت له خمس سنين فلم يفد إلى ربّه و هو موسر إته محروم.^{۸۸}

امام صادق عليه السلام فرمودند: کسی که پنج سال بر او بگذرد و وارد بر پروردگارش نشود (به این سفر مشرف نشود) در حالی که توانگر بوده است، همانا بی‌تردید او محروم است!

ملائکه برایش

دعا می‌کنند

محروم کیست؟

فصل چهارم

حج یا سایر امور خیر؟

تسلیم، عقلانی ترین روش رویارویی با دستورات دین

تقدم حج بر حواجج دنیا

جمع بندی روایات مقایسه‌ی حج با سایر امور خیر



تسلیم،

عقلانی‌ترین روش

رویارویی با

دستورات دین

• در جامعه‌ی امروز ما، کم نیستند افرادی که از مشکلات و نابسامانی‌های معیشتی و اقتصادی رنج می‌برند. این نابسامانی‌ها زمینه را برای ترک ناآگاهانه‌ی مناسک و عبادات دینی فراهم نموده است.

اگرچه بسیاری از افراد، موقعیتِ دشوار کنونی را بهانه‌ای برای ترک مناسک حج نموده‌اند؛ اما برخی متشرعان و پایبندان به امور دینی نیز، در همین بزنگاه حساس دست‌کم دچار شبهه شده‌اند.

سؤال این گروه دین‌دار که لااقل در پی دستاویزی برای گریز از سفر حج نیستند، این است که آیا واقعاً خداوند متعال راضی است با وجود این همه نابسامانی و گرفتاری، باز هم، هزینه‌ای هنگفت در این مسیر صرف شود؟ سرمایه‌ای که بخش اعظم آن در جیب دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام ریخته می‌شود!

آیا این مقادیر کلان که در این مسیر هزینه می‌شود، اگر خرج سایر مصارف

خیر شود، بهتر نیست؟!

برخی گام را فراتر نهاده و طرح تعطیلی و توقف حج را عرضه می‌کنند تا کلّ این مخارج، به سوی دیگری میل کند و صرف محرومان و بی بضاعتان شود!

• هدف از اختصاص فصلی مستقل در این نوشته، یافتن پاسخی برای این سؤالات است. اما پیش از بیان روایات مرتبط با آن، لازم است نکاتی درباره‌ی مجموعه‌ی عبادات و به ویژه حج را، دریچه ورود به موضوع قرار دهیم.

• حقیقت این است که بسیاری از قضاوت‌های ما در اولویت‌بندی اعمال نیک، مبنای درست و منطقی ندارد و صرفاً مبتنی بر احساسات و تمایلات خودمان است. پیداست در این میان، شبهات و سؤالات بالا نیز محصول همین داوری‌های نابه‌جا و غیرمنطقی و مصداق " قولٍ بغيرِ عِلْمٍ " * است.

• در حقیقت تعبد، پذیرش قلبی دستورات الهی، اعتماد مطلق، تسلیم محض و فرمان‌برداری بی‌چون و چرای ذات پروردگار متعال است؛ بی‌آنکه ضرورتی به دانستن چند و چون آن باشد.

البته این امری غیر عقلانی نیست؛ بلکه در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، عقلانیت دارای اهمیت فراوان است. تا آنجا که امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

لا یعبأ بأهل الدّین مَن لا عقل له.^{۸۹}

کسانی از دین‌داران که عقلی ندارند، ارزش [و شرافتی] ندارند.

چرایی تعبد
و فرمان‌برداری

* کلامی که از روی آگاهی و یقین نباشد. اشاره به آیه‌ی «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...»

سوره‌ی اسراء: ۳۶. برای مطالعه‌ی بیشتر رک علال الشرائع: ج ۲ ص ۶۶

• ریشه‌ی منطقی و عقلانی بودن تعبد بی‌چون و چرا، این است که وضع‌کننده‌ی این قوانین و دستورالعمل‌ها در زندگی انسان، خالقِ اوست و این خالق، ذاتِ عالم‌قادر حکیم است.

بی‌چون و چرا

آدمی به حکم قوه‌ی تفکر و تعقلی که در او به ودیعه گذاشته شده، نیازمند دستورالعملی است که خالق متعال برایش مهیا نموده و در سلوک عملی‌اش قرار داده است. او می‌داند خداوند حکیم، امر و نهی بیپه‌وده نمی‌کند و اهل ظلم به بندگان نیست. از این رو بی‌آنکه خبر از چرایی این امر و نهی داشته باشد، تسلیم آن می‌شود و این حکم روشن عقل است.

حال اگر در بررسی نصوص دینی اعم از آیات و روایات به این نکته برخوردیم که مناسک حج و عمره، رتبه‌ای بالاتر از امور مورد نظر ما دارد، به حکم عقل می‌باید تسلیم اولویّت بندی شارع مقدس شویم.

روایت زیر بیان‌گویا و روشنی برای جایگاه بلند و ارزشمند "تسلیم" نزد اولیای دین است.

قال أبو عبد الله عليه السلام: لو أنّ قوماً عبدوا الله وحده لا شريك له و أقاموا الصلاة و أتوا الزكاة و حجّوا البيت و صاموا شهر رمضان ثمّ قالوا الشيء صنع الله أو صنعه رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ألا صنع خلاف الذي صنع أو وجدوا ذلك في قلوبهم لكانوا بذلك مشركين ثمّ تلا هذه الآية:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^{۶۰}
 ثمّ قال أبو عبد الله عليه السلام: عليكم بالتّسليم.^{۶۱}

امام صادق عليه السلام فرمودند: اگر قومی، خدا را - که یگانه است و شریکی ندارد - پرستش کنند و نماز را برپا دارند و زکات دهند و حج گزارند و ماه رمضان را روزه بگیرند؛ سپس در مورد یکی از کارهایی که خدا

یا رسولش انجام داده‌اند، بگویند: چرا کار دیگری غیر از این نکردند (به حکم خدا اعتراض زبانی داشته باشند) و یا حتی آن [اعتراض] را در دل هایشان بیابند، به واسطه‌ی آن مشرک می‌شوند!

سپس حضرت ﷺ این آیه را تلاوت فرمودند: نه! هرگز! به پروردگارت سوگند ایمان نمی‌آورند تا آنکه تو را در آنچه آنان را به اختلاف افکنده است، به داوری پذیرند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

آن‌گاه فرمودند: بر شما باد به تسلیم بودن!

• حال که بناست همچون حضرت ابراهیم ﷺ، تسلیم فرمان شارع مقدس باشیم و دل‌داده‌ی نسخه‌های طبیبانه‌ی او شویم، مقایسه‌ی این عبادت با سایر امور خیر را در روایات مرور می‌کنیم. در این راه، تنها کسانی رستگار خواهند شد که توصیه‌های دین را در مرحله‌ی اعتقاد و به هنگامه‌ی عمل، مبنای زندگی خود قرار دهند.

• بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که شرایط و احکام حج در همه‌ی ادوار، یکسان و مشابه بوده‌است. از سویی می‌توان " ثابت بودن دین و احکام الهی " را، از مجموع آیات و روایات استفاده نمود.*

مشابهت حج

کنونی و پیشین

* از میان ابواب گوناگون روایات به عنوان نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود:

عن زرارة قال: سألت أبا عبد الله ﷺ عن الحلال والحرام فقال: حلال محمد حلال أبداً إلى يوم القيامة و حرامه حرام أبداً إلى يوم القيامة لا يكون غيره ولا يحىء غيره و قال قال علي ﷺ: ما أحد ابتدع بدعةً إلا ترك بها سنةً.

• مطالعه‌ی ادله و روایاتی که "بدعت" را نکوهش و بدعت‌گذار را تخطئه می‌کنند یا دلالی که "قیاس" را در امور دینی، عامل تضعیف و از بین رفتن دین معرفی می‌کند، همه و همه به تبیین شفاف‌تر ممنوعیت تغییر دادن احکام دین از روی امیال نفسانی و بدون مراجعه به معارف و حیانی، کمکی شایان می‌نماید.

از این رو محتوای روایات، همیشه و در هر حال برای ما حجت خواهند بود. پس بهانه‌هایی چون شباهت نداشتن موقعیت و شرایط حج در زمان صدور احکام با عصر حاضر، واهی و بی‌ثمر است.

• از قضا - آن چنان که در آغاز فصل قبل نیز اشاره شد - ویژگی‌های زمانی ما، شباهت‌های اساسی فراوانی به دوران معصومین علیهم‌السلام داشته است. مخارج سنگین این سفر، سلطه‌ی حکام جور بر حجاز، وجود فقرا و نیازمندان بسیار و مهیّا بودن زمینه‌ی فعالیت‌های خیر اقتصادی در غیر حج که به نفع جامعه‌ی اسلامی می‌باشد، از اساسی‌ترین این شباهت‌هاست.*
به همین دلیل و حتی بدون پذیرش مقدمه‌ی عقلی این بحث - در مورد تسلیم -، واضح است که شرایط زمانی عصر حاضر با دوره‌ی تشریح حج، تفاوت چندانی ندارد.

زراره از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی حلال و حرام سؤال کرد. فرمودند: حلال محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا قیامت همیشه حلال خواهد ماند و حرامش نیز تا روز قیامت حرام خواهد بود؛ غیر این نیست و غیر این نخواهد آمد و [همچنین] ایشان از قول امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، فرمودند: هیچ‌کس پایه‌ی بدعتی را نگذاشت مگر آنکه به خاطرش سنتی را ترک کرد. الکافی: ج ۱ ص ۵۸

* یعنی همواره و در همه‌ی ادوار تاریخی، برای سوق دادن سرمایه‌ها و منابع مالی به سمت و سوی کارهای عام‌المنفعه‌ی دیگر و هزینه نکردن اموال برای تشرف به حج، بهانه‌هایی وجود داشته است.

• پس از بیان مقدمه‌ی بالا، نخستین گامی که می‌توان با یاری گرفتن از روایات متعدّد برداشت، این است که حج را بر مشکلات و گرفتاری‌های دنیا ترجیح دهیم. علاوه بر روایاتی که فایده‌ی حج را رفع فقر و بسیاری از مشکلات دنیایی دانسته‌اند - که برخی از آن‌ها در فصل‌های پیشین گذشت -، بیاناتی از معصومین علیهم‌السلام صادر شده که در آن‌ها به ترجیح حج بر اشتغال به امور دنیوی تصریح شده است.

قال أبو جعفر علیه‌السلام: ما من عبد يؤثر على الحجّ حاجةً من حوائج الدّنيا إلا نظر إلى المحلّقين قد انصرفوا قبل أن تقضى له تلك الحاجة.^{۹۲}
 امام باقر علیه‌السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست که حاجتی از حوائج دنیا را بر حج ترجیح دهد، مگر آنکه به سرتراشیدگان (کنایه از حاجی‌هایی که اعمالشان را انجام داده‌اند) نگاه می‌کند که بازگشته‌اند پیش از آنکه حاجتش برآورده شود.

این کلام شریف به وضوح، ترجیح امور دنیایی را به حج، بی‌فایده می‌نماید. شاید چنین بیاناتی بیشتر مناسب افرادی باشد که گمان می‌کنند همه‌ی گره‌های دنیوی، به دست بشر، گشودنی است! یا آنان که می‌پندارند به ابعاد مختلف دستورات الهی واقفند و چه بسا به دیگران نیز توصیه می‌کنند.

اسحاق بن عمّار به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: مردی کم توان با من درباره حج گزاردن مشورت نمود؛ من هم در جایگاه مشورت به او توصیه کردم که حج گزارد. حضرت فرمودند:

ما أخلقك أن تمرض سنّة! ^{۹۳}

شایسته [و سزاوار] توست که [به واسطه‌ی مشورت و توصیه‌ی نادرست] یک سال بیمار شوی!

اسحاق می‌گوید: پس یک سال بیمار شدم!

حج یا صدقه؟

• دسته‌ی دیگر از مؤمنان، متحیرند که با وجود گزینه‌های متعدّد و متنوع برای انجام اعمال نیک، آیا باز هم، رفتن به سفر حج و تکرار دوباره و چندباره‌ی آن، قابل توجیه است؟ این گروه - برخلاف گروه قبل - در پی رفع نیازهای دنیایی خویش نیستند و به دنبال پیدا کردن عبادت برترند. چه بهتر که این اولویت‌بندی، به جای آنکه با عقل ناقص بشری صورت گیرد، با نور وحی ترتیب یابد.

• پیش از نقل روایاتی که به مقایسه‌ی این دو عمل نیک پرداخته‌اند، بیان دو نکته ضروری است:

۱. پس از بیان ترتیب اولویت‌ها در اعمال، این خود افراد هستند که با توجه به مسائل پیرامونشان، از میان اعمال شایسته‌ی دین، یکی را بر می‌گزینند. تصمیم‌گیری به جای دیگران در این مرحله و یا متهم نمودنشان به مراعات نکردن اولویت در انجام اعمال، هرگز شایسته‌ی مؤمن متقی نیست و حتی در مواردی، منتهی به کدورت بین مؤمنان می‌شود. لذا می‌بایست برای هر شخص، این حق را در تشخیص وظیفه‌ی فعلی‌اش، قائل باشیم.

۲. با وجود یقین به اشتباه افراد در تشخیص اولویت‌ها و با علم به اینکه با ترک عبادت راجح و برتر، خود را مشغول به عملی با مرتبه و منزلت پایین‌تر کنند، هرگز شایسته‌ی مذمت و تقبیح و تحقیر نخواهند بود. چرا که خداوند متعال - که قرار دهنده‌ی این اولویت‌هاست -، افراد را در پذیرش و ردّ آن، آزاد گذاشته است. البته بهتر آن است که انسان در ترجیح دادن عملی بر عمل دیگر نیز مطیع پروردگار خویش باشد مگر آنکه اولویت بین دو امر واجب و مستحب مراعات نشود؛ در این صورت کسی که به خاطر انجام عمل مستحبی، ترک واجب می‌نماید، استحقاق نکوهش و حتی عقوبت الهی را خواهد داشت.

بیان روایات

• شاید امروزه برای آنان که عزم تکرار حج دارند، مهمترین دغدغه این باشد که مبادا به خاطر وجود نیازمندان در جامعه، تکرار این سفر، ناپسند باشد. مراجعه به دو دسته از روایات که در ادامه می‌آید، به رفع این دغدغه‌ی مؤمنان کمک می‌کند.

۱. برتری حج

بر صدقه

• شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایت شوم! کدام یک برتر است؟ حج یا صدقه؟
 امام علیه السلام فرمودند: این پرسشی است که در [دل آن] پرسشی [نهفته] است؛ اموالش چقدر است؟ آیا آن قدر هست که صاحبش را به حج ببرد؟
 عرض کرد: [این مقدار] نیست.
 امام علیه السلام فرمودند:

إذا كان مالا يحمل إلى الحج فالصدقة لا تعدل الحج، الحج أفضل وإن كانت لا تكون إلا القليل فالصدقة.^{۹۴}

اگر اموالی دارد که او را به حج می‌برد، پس صدقه به حج نمی‌رسد؛ حج برتر است! و اگر جز اندکی ندارد پس صدقه دهد.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

حجة خير من بيت مملوء ذهباً يتصدق به حتى يفنى.^{۹۵}

یک حج، برتر است از خانه‌ای پر از طلا که همه‌ی آن صدقه داده شود تا تمام شود!

عن أبي عبد الله علیه السلام قال: درهم تنفقه في الحج أفضل من عشرين ألف درهم تنفقها في حق.^{۹۶}

امام صادق علیه السلام فرمودند: درهمی که در حج خرج می‌کنی، برتر است از بیست هزار درهمی که در راه حق مصرف نمایی!

• شخصی که گرفتار مانعی در رفتن به حج شده بود، به حضور پیامبر ﷺ رسید. عرض کرد: من آدم توانگر و ثروتمندی هستم. امر کنید با اموالم چه کنم که به مقام حُجَّاج برسم؟ ایشان فرمودند:

لَوْ أَنَّ أَبَا قَبَيْسٍ لَكَ زَنْتَهُ ذَهَبَةٌ حَمْرَاءُ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَلَغْتَ مَا بَلَغَ الْحَاجُّ.^{۹۷}

اگر به اندازه‌ی وزن کوه ابوقبیس طلای سرخ برای تو بود [و] آن را در راه خدا انفاق می‌کردی، نمی‌رسیدی به آنچه حاجی‌ها رسیدند.

• سعید سَمَان گفت: من هر سال حج می‌گزارم. وقتی در یکی از سال‌ها، مردم دچار گرفتاری و مشقت شدند، بعضی از همراهانم به من گفتند: اگر به میزان هزینه‌های سفر حج ات فکر کنی و آن را صدقه دهی، برتر خواهد بود! گفتم: این‌گونه می‌پندارید؟ گفتند: بله.

گفت: پس آن سال، مقداری را که می‌خواستم با آن حج به جا آورم، صدقه دادم. شب عرفه خوابی دیدم [و در اثر دیدن آن خواب] گفتم: به خدا سوگند، دیگر این کار را تکرار نمی‌کنم و حج را رها نمی‌نمایم! وقتی سال بعد حج‌گزارم، در مِنا امام صادق علیه السلام را دیدم در حالی که مردم نزدش جمع شده بودند. خدمت‌شان رسیدم و داستانم را برایشان تعریف کردم و پرسیدم:

کدام یک با فضیلت‌تر است؟ حج یا صدقه؟

حضرت سه بار فرمودند: صدقه دادن چه کار نیکویی است!

عرض کردم: بله؛ کدام یک با فضیلت‌ترند؟

فرمودند:

ما يمنع أحدكم من أن يحجّ ويتصدّق؟

چه چیز مانع می‌شود که یکی از شما حج گزارد و صدقه دهد؟ (چرا

هر دو کار را انجام نمی‌دهید؟)

گفتم: اموالش به هر دو نمی‌رسد و این مقدار وسعت ندارد، [چگونه به

توفیق هر دو نایل شود؟]

فرمودند: وقتی خواست در چیزی به خاطر حج، ده درهم خرج کند،

پنج درهم خرج کند و پنج درهم صدقه دهد. (در امور مربوط به حج

صرفه جویی و برای صدقه خرج کند) یا نفقه‌ی سفرش به حج را کم نماید

و آن مقدار را که کنار گذاشته، صدقه دهد؛ پس برای این کار، پاداشی

خواهد داشت.*

عرض کردم: اگر چنین می‌کردیم، [کار به درستی] تمام می‌شد (به هر دو

فضیلت توفیق می‌یافتیم).

سپس حضرت سه مرتبه فرمودند:

وَأْتَى لَهُ مِثْلُ الْحَجِّ؟

کجا برای او [کار نیکی] چون حج پیدا می‌شود؟!^{۹۸}

• یکی از دستاویزهای شیاطین و شبهه افکنان برای متوقف کردن عبادات

و برچیدن شعائر دینی، القای این شبهه است که عبادات، هریک جای

دیگری را تنگ می‌کند و انجام یکی مستلزم معطل گزاردن دیگری است.

از این رو می‌گویند:

شرح و توضیح

روایت

* ظاهراً فرق بین دو صورت، این است که در حالت اول در حین خرج کردن صرفه جویی کند و

زیاده را همان موقع انفاق نماید و در حالت دوم مبالغ حاصل از صرفه جویی را پس انداز نموده و

سپس صدقه دهد.

اگر کسی حج برود دیگر به فقرا نمی‌رسد؛ یا آنکه فقرا افراد در جامعه، نتیجه‌ی برگزاری این مناسک و شعائر الهی است!*

• همان‌گونه که از کلام امام علیه السلام در این روایت پیداست، اولاً بسیاری از اوقات، این فرضی است نادرست و بی‌اساس و افراد ثروتمند معمولاً با کمک کردن به نیازمندان، توان تکرار حج را از دست نمی‌دهند. یعنی می‌توانند بین این دو موضوع - حج مستحبی و صدقه - جمع کنند. این که فرمودند: ما يمنع أحدکم من أن یحج و یتصدق؟ شاید اشاره به این نکته‌ی کلیدی باشد.

به‌علاوه می‌توان با صرفه‌جویی در هزینه‌های سفر، به هر دو عمل خیر، نایل شد؛ بی‌آنکه عمل به یکی، موجب ترک دیگری باشد. این راهکار نیز، در این روایت مشهود است.

• نکته‌ی دیگر آنکه چه بسا افرادی که پس از سفر حج واجب، دوباره و چندباره توفیق تشرّف به آن را پیدا می‌کنند برای کمک به محرومان و نیازمندان، بیشتر از دیگران اهتمام می‌ورزند.

• توجه به این نکته هم بسیار مهم است که خود این سفراز دو حیث، موجب تقویت نیازمندان است:

تأثیر حج در زدودن فقر

اول آنکه حاجی در این سفر، ضمن تمرین تعبد و فرمان برداری خداوند متعال،

* همچنین در ایام سوگواری اهل بیت علیهم السلام، تبلیغات مسموم و مانع‌تراشانه در مسیر تعظیم شعائر، کاملاً به چشم می‌خورد. جالب اینجاست که چه بسا افرادی که به این امور خرده می‌گیرند و طعنه می‌زنند، اهل اسراف و ریخت‌وپاش در جشن‌ها و مراسم شخصی یا ملی‌اند؛ گویی در آن مقام، فقرا و نیازمندان را به کلی از خاطر می‌برند و تنها در زمان انجام مناسک و شرایع به یاد نیازمندان می‌افتند!

اموال خود را در راه او بذل می‌کند و حاصل این بذل و وارستگی از دنیا - هم در تهیه‌ی مخارج و مایحتاج سفر و هم در تهیه‌ی قربانی در خلال سفر - آمادگی وی در سایر امور خیر خواهد بود و دل کندن از اموال و انفاق در راه خداوند متعال را حتی پس از بازگشت از حج در پی خواهد داشت .

دوم آنکه با عنایت به روایات - که برخی از آن‌ها در فصل‌های قبلی گذشت - ، می‌توان ادعا کرد که این سفر، برخلاف تصور اولیه، موجب ازدیاد روزی و مانع از فقر است. لذا تشرف به حج - با وعده‌ای که در روایات داده شده است - عملاً موجب زدودن فقر است نه زایش آن!

در روایت اسحاق بن عمار چنانکه گذشت وقتی اسحاق، امام علیه السلام را از قصد عزیمت به حج هرساله آگاه نمود، بدین قرار که یک سال خودش برود و یک سال هزینه‌ی سفر یکی از افراد خانواده اش را بپردازد، حضرت به او فرمودند:

إِن فَعَلْتَ فَأَبْشِرْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ.^{۹۹}

اگر چنین نمایی، بشارت باد بر تو به فزونی اموال!

• لذا همان‌گونه که در ابتدای این فصل نیز اشاره شد، نباید از این نکته غفلت نمود که حکیم متعال، در تنظیم نظام تشریح، همه‌ی جوانب زندگی بشر را در نظر گرفته است. قوانین شرع هرگز در تعارض و تضاد با یکدیگر نیستند؛ بلکه به منزله‌ی اجزای یک کُلّ یکپارچه، تکمیل‌کننده‌ی یکدیگر و در عین حال سودمند به حال عمل‌کنندگان هستند.

• شخصی به نام ابراهیم روایت می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یک سال من حج می‌گذارم و یک سال شریکم به حج می‌رود.

امام علیه السلام فرمود: چه چیزی مانع از حج [هرساله‌ات] می‌گردد ای ابراهیم؟ عرض کردم: فراغتی برای آن ندارم فدایت گردم! به جای آن پانصد [مثلاً درهم یا دینار] صدقه می‌دهم!

فرمودند: حج، برتر است!

- پس هزار [می‌دهم]!

- حج، افضل است!

- پس هزار و پانصد [می‌دهم]!

- حج، افضل است!

- پس دو هزار [می‌دهم]!

فرمودند:

أُفِي أَلْفِيكَ طَوَافَ الْبَيْتِ؟

- آیا در دو هزار تو طواف خانه (کعبه) هست؟

- نه!

أُفِي أَلْفِيكَ سَعَى بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ؟

- آیا در دو هزارت سعی بین صفا و مروه هست؟

- نه!

أُفِي أَلْفِيكَ وَقُوفَ بَعْرَةَ؟

- آیا در دو هزارت وقوف در عرفات هست؟

- نه!

أُفِي أَلْفِيكَ رَمَى الْجَمَارِ؟

- آیا در دو هزارت سنگ‌زدن به جمرات هست؟

- نه!

أُفِي أَلْفِيكَ الْمَنَاسِكَ؟

- آیا در دو هزارت مناسک [حج] هست؟

- نه!

قال ﷺ: الْحَجُّ أَفْضَلُ.^{۱۰۰}

[و در پایان] حضرت فرمودند: حج برتر است!

در روایتی دیگر آمده است که ابراهیم، مسأله فضیلت حج و مقایسه‌ی آن با آزاد کردن بندگان را با امام علیه السلام مطرح نمود. حضرت نیز به همین ترتیب پاسخ او را دادند. در خلال این روایت، حضرت خطر چنین نگرشی را گوشزد فرمودند:

لو كان كما قال لعطل الناس الحجَّ و لو فعلوا كان ينبغي للامام أن يجبرهم على الحجَّ إن شاءوا و إن أبوا فإنَّ هذا البيت إنما وضع للحجَّ.^{۳۰}

اگر این گونه که او گفت* می بود، مردم حج را تعطیل می کردند و اگر چنین کنند سزاوار است که امام مجبورشان کند بر حج؛ چه بخواهند و چه نخواهند؛ چراکه این خانه، برای حج قرار داده شده است.

• روایات فوق یادآور اصلی مهم در شیوه‌ی برنامه‌ریزی برای حل و فصل مشکلات جامعه است. آیا رواست که سرپرست و اداره کننده‌ی یک خانواده و درنگاهی کلان، رئیس و مدیر یک دولت، برای حل مشکلات عمومی خانواده یا جامعه، از بودجه‌های آموزشی و تربیتی، کم کنند و بر بخش مورد نظر، بیفزایند؟! علی‌رغم اهمیت مسأله‌ی نیازمندان و محرومان، بی‌تردید کسر بودجه‌های آموزشی و تربیتی و ناکامی‌های این بخش، خود موجب مشکلات مضاعف و تحمیل کننده‌ی هزینه‌های بسی سنگین‌تر به خانواده و اجتماع خواهد بود. با قبول این اصل مهم و در موقعیتی که بخشی از جامعه از اولین نیازهای معیشتی محرومند، خیرین مدرسه‌ساز از ارج و منزلت والایی برخوردارند. از این رو مراعات اولویت چنین اقداماتی، نباید دستخوش شرایط نابسامان جامعه شود.

* نظر ابوحنیفه این بود که آزاد کردن بنده با فضیلت تراست. رک الکافی: ج ۴ ص ۲۵۹ حدیث ۳۰

• حج نیز از مهم‌ترین برنامه‌های آموزشی و تربیتی است که خالق متعال و شارع حکیم، با تدوین آن، جامعه‌ی اسلامی را به گسترش انواع کار نیک و رواج عمل صواب سوق می‌دهد. صدقه و انفاق در راه خدا، می‌تواند از نتایج این برنامه‌ی اساسی باشد.

از این رو نمی‌توان صرفاً به بهانه‌ی وجود مشکلات معیشتی نیازمندان - که البته توجه به آن اهمیت بسیاری دارد -، این درسنامه‌ی تربیتی را فرونهاد و از آن غفلت ورزید.

روایات فراوانی به این موضوع اشاره دارد که آنچه گذشت، تنها بخش اندکی از آن‌ها و متناسب با گنجایش این نوشتار بود.

• پس از بیان دسته اول روایات که صریح در افضلیت حج نسبت به صدقه است در ادامه، روایات بخش دوم را مرور نموده آن‌گاه به نتیجه‌گیری نهایی در فهم روایات دو دسته خواهیم پرداخت:

۲. برتری رفع

نیاز مؤمن

نسبت به حج

در روایتی پس از بیان انواع فضیلت و ثواب برای فردی که از حج برگشته و به حضور امام صادق علیه السلام رسیده بود، آن شخص به امام علیه السلام عرض کرد که این ثواب‌ها بسیار زیاد است. امام علیه السلام فرمودند:

تو را خبر دهم از کاری که بیش از این ثواب دارد؟

عرض کرد: بله؛ حضرت فرمودند:

لِقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئِ مُؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ حِجَّةٍ وَ حِجَّةٍ وَ حِجَّةٍ حَتَّى
عَدَّ عَشْرَ حَجَجٍ.^{۱۰۲}

به یقین رفع نیاز فردی مؤمن بالاتر از حجی و حجی و حجی است؛ [سپس] تا ده مرتبه شمارش فرمود (از ده حج بالاتر است).

البته قبل از بیان این جمله، خود امام علیه السلام فضایل بسیاری را برای یکایک اعمال و مناسک حج برشمردند.

در بیان دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

لِقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُّؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً كُلِّ حَجَّةٍ يَنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ.^{۱۰۳}

به یقین، برآوردن نیاز مؤمن، نزد خداوند، دوست داشتنی تر از بیست حج است؛ در حالی که در هر حج، صدهزار [مثلاً درهم یا دینار] انفاق کند!

در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام آمده است:

لَأَنْ أَعُولَ أَهْلَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَشْبِعَ جُوعَتَهُمْ وَأَكْسُو عَرِيضَهُمْ وَأَكْفَ وَجُوهَهُمْ عَنِ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَحِجَّ حَجَّةً وَحَجَّةً وَحَجَّةً حَتَّى أَتَمِّيَ إِلَى عَشْرَةِ إِلَى مِثْلِهَا وَ مِثْلِهَا حَتَّى أَتَمِّيَ إِلَى سَبْعِينَ.^{۱۰۴}

به یقین اگر خانواده‌ای از مسلمانان را رسیدگی [و کفالت] نمایم و گرسنگی و برهنگی شان را برطرف کنم و آبروی آن‌ها را در مقابل مردم حفظ نمایم برایم محبوب تر است از اینکه حج گزارم و حج گزارم و ... تا آنکه به ده مرتبه رسید و مانند آن و مانند آن تا آنجا که به هفتاد مرتبه رسید (برایم از هفتاد حج برتر است).

چه باید کرد؟

• ظاهر برخی روایات بر ترجیح انجام حج در برابر صدقه تأکید دارد؛ در حالی که برخی دیگر، پرداخت صدقه را افضل دانسته‌اند. برای رفع هرگونه ابهام از این دو راهی تشخیص و تصمیم، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. با کمی دقت در موضوع، در برخی حالات میان روایات دو دسته، اساساً تعارضی دیده نمی‌شود و از محل نزاع و دایره‌ی بحث خارج هستند. لذا

* به مواردی از این دست، به اصطلاح خروج موضوعی و یا خروج به نحو تخصص گفته می‌شود.

در این موارد ابهامی در تشخیص وجود ندارد. در ادامه به عنوان نمونه، سه گروه از این موارد خواهد آمد:

اول: در صورتی که حج یا صدقه، مستحب باشند و دیگری واجب، هیچ‌گونه تزاممی در میان نخواهد بود و معلوم است که کدام مقدم است. تزامم آنجاست که هر دو مورد - حج یا صدقه - یک حکم (وجوب یا استحباب) داشته باشند.

دوم: اگر به هر دلیل، امکان انجام یکی (حج یا صدقه) برای شخص وجود نداشته باشد، روشن است که باز هم تزاممی در کار نیست تا نیاز به ترجیح یکی بر دیگری باشد. به عنوان مثال - همان‌گونه که در اولین روایت نیز گذشت - اگر دارایی شخص برای حج‌گزاردن کافی نباشد، بالطبع سفر حج از گزینه‌هایش خارج است و تنها پرداخت صدقه محل تصمیم است.

(بدون ایجاد هیچ‌گونه مزاحمتی برای حج)

سوم: رفع نیاز مؤمنان اگرچه در بسیاری از موارد امری مادی و مالی است، اما در موارد فراوانی نیز، از جنس رسیدگی و پیگیری‌های غیرمادی می‌باشد. در این صورت، چه بسا رفع نیاز حاجتمندان، منافاتی با تشرّف به حج نداشته و هر دو عمل در کنار هم قابل انجام باشند.

۲. در روایات دسته‌ی دوم، این احتمال وجود دارد که مقصود از صدقه، مواردی خاص باشد که از شمار صدقات معمول و متداول خارج است و چه بسا برای رفع نیازهای اولیه‌ی مؤمنین، ضرورت و فوریتی فوق‌العاده دارد. از این رو، حکم به برتری آن داده شده است. به علاوه در هیچ‌یک از روایات دسته‌ی دوم، تعبیر "صدقه" وارد نشده است؛ یعنی ممکن است این طور باشد که به طور کلی، حج برتر از صدقه است، اما در موارد خاصی که افراد نیازمند در ارتباط با شخص وجود دارند و یا ...، این امور افضل از حج باشند.

۳. فارغ از جنبه‌های فردی، حج از شعائر جمعی بوده و از شأن اجتماعی نیز برخوردار است. یعنی آثاری که برای این عبادت قرار داده شده است، صرفاً شخصی نیست. این احتمال وجود دارد که اگر جنبه‌های شعائری حج - مانند گردهمایی مسلمانان در موسم حج - تأمین شود و از این بابت جای نگرانی نباشد، روایات دسته‌ی دوم (برتری کمک به مؤمنین) مورد توجه قرار گیرند. در این صورت، اگر کسی به سرپرستی امور نیازمندان و برطرف‌سازی نیاز آن‌ها پرداخت، کار درست و به‌جایی انجام داده است. از سوی دیگر، اگر به هر دلیل طواف‌کنندگان دور کعبه‌ی معظمه، کم شدند و جنبه‌های شعائری حج در معرض تضعیف قرار گرفت، در این صورت، حج، اولویت پیدا می‌کند. لذا در روایات گذشته نیز آمد که اگر مردم حج را تعطیل کنند، سزاوار است امام عده‌ای را به طواف کعبه مجبور کند؛ چه بخواهند و چه نخواهند!*

۴. گاه فضیلت اعمال بر یکدیگر و ملاک‌های آن، به‌گونه‌ای است که بیان آن با یک ضابطه‌ی کلی و عمومی، ناممکن است.**

• بسیاری به غلط تصور می‌کنند که دستورالعمل‌های دین، باید در همه‌ی موارد، با ضابطه‌ی یکسان و البته قابل درک برای همگان سنجیده و به‌کار گرفته شوند.

حقیقت آن است که ملاک برتری یک عمل بر عمل دیگر، تنها و تنها در

* البته احتمالات ذکر شده در موارد ۲ و ۳ تا جایی که به حد یقین نرسد، قابل قبول نیست.

** به طور کلی انعطاف پذیر بودن قوانین، از ویژگی‌های مثبت یک قانون مترقی است. حالات و خصوصیات مکلفین، زمینه و زمانه‌ی آن، همه‌وهمه در تشخیص وظیفه‌ی فعلی شخص، مؤثر است و این از نگاه تیزبین شرع مقدس، پوشیده نیست. از این رو دستورات شرع هم مانند سایر قوانین، دارای تبصره‌های فراوان است تا افراد برای به‌کارگیری آن با دشواری روبرو نشوند.

دست پروردگار متعال و حُجَجِ الهی ﷻ است. آنانند که گاه، معیار برتری را بیان می‌کنند و گاهی مسکوتش می‌گذارند؛ چه بسا یک عمل نسبت به عمل دیگر به مراتب برتر باشد و این برتری عموماً برقرار باشد؛ اما همین عمل افضل، در حالتی خاص، به مراتب پایین‌تر از دیگری باشد.

در تمام این موارد، وظیفه‌ی آدمی تسلیم محض در برابر مشیّت ربّ العالمین است و رضایت و خرسندی از مقدّرات الهی؛ یعنی هرچه را برایمان در هر حال ترجیح داده، ما هم در گفتار و رفتار و در دل، برترش شماریم.

نتیجه‌گیری

از این رو، پس از در نظر گرفتن همه‌ی احتمالات یادشده، این مطلب مسلم است که نمی‌توان ادعای برتری حج مستحبی نسبت به همه‌ی انواع صدقه‌ی مستحبی نمود؛ همچنان که نمی‌توان ادعای کلی برتری انواع صدقات را بر حج داشت!

• ممکن است کسی بپرسد شخصی که گرفتار این دوراهی شده چه کند؟ قدر مسلم آن است که هر دوی این اعمال مطلوبند و در جایی که یکی مزاحم دیگری باشد، شخص مخیر است یکی از دو کار را برگزیند.*
اطرافیان نیز اگر شخص را به خاطر ترجیح یکی از دو عمل نیک و مورد رضایت پروردگار متعال، سرزنش نمایند، مستوجب عقوبت الهی خواهند گردید.

* اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا لِلَّتِي هِيَ أَكْبَرُ وَاسْتَعْمَلْنَا بِمَا هُوَ أَرْضَىٰ

* یعنی در صورتی که با مراجعه به این دو دسته روایات عمل برتر را تشخیص داد، جای هیچ‌گونه

تخیّر و نگرانی نیست و به حکم خود روایات، مقام انتخاب یکی از دو عمل است.

فصل پنجم

برخورد دیگران با حجاج

لزوم احترام به حجاج
اجر عظیم رسیدگی به خانواده حجاج



• در روایات، درباره‌ی وظایف دیگران در قبال حاجی و مراعات حرمت وی، دستورات اکیدی دیده می‌شود که به قدر و منزلت حاجی نزد شارع مقدس اشاره دارد.

قال أبو جعفر عليه السلام: وَقَرُّوا الْحَاجَّ وَالْمُعْتَمِرِينَ فَإِنَّ ذَلِكَ وَاجِبٌ عَلَيْكُمْ.^{۱۵}

امام باقر عليه السلام فرمودند: حاجیان و عمره‌گزاران را بزرگ بدارید؛ چرا که آن [امری است که] بر شما لازم است.

از امام صادق عليه السلام نقل شده که حضرت زین العابدین عليه السلام پیوسته می‌فرمودند:

يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحِجَّ اسْتَبْشِرُوا بِالْحَاجِّ وَصَافِحُوهُمْ وَعَظِّمُوهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحِبُّ عَلَيْكُمْ تَشَارِكُوهُمْ فِي الْأَجْرِ.^{۱۶}

ای گروهی که حج به جا نیاورده‌اید! مسرور باشید به [دیدار] حُجَّاج! و با آنان مصافحه نمایید و بزرگشان بدارید؛ چرا که آن کار،

بر شما لازم است [که اگر چنین کنید] در پاداش شان شریک
 خواهید بود.

هم ایشان پیوسته می فرمودند:

بادروا بالسَّلامِ علی الحَاجِّ والمُعتمِرِ ومصافحتهم من قبل أن
 تخالطهم الذَّنوب.^{۱۰۷}

در سلام و مصافحه با حُجَّاج و عمره گزاران پیشی بگیرید پیش از
 آنکه به گناهان آلوده شوند!

• از دشواری های سفر حج، چه در گذشته و چه امروز، دور ماندن خانواده
 از سرپرستِ به حج رفته شان است. شاید از این روست که رسیدگی به
 نیازهای اهل و عیال حاجیان - چنانکه در روایات فرموده اند - پاداشی
 چون پاداش حاجیان دارد.

اجر عظیم رسیدگی
 به خانواده حاج

من خلف حاجاً فی أهله بخیر کان له كأجره حتی کأته یستلم
 الأحجار.^{۱۰۸}

هرکس حاجی را در میان اهلش به نیکی جانشینی کند [و رسیدگی
 به آن ها را بر عهده بگیرد]، برای او [پاداشی] همچون پاداش
 حاجی خواهد بود؛ به طوری که گویی اوست که سنگ ها را استلام
 می کند!*

* ظاهراً مراد، لمس حجراً الأسود و دیوار کعبه باشد.

فصل ششم

حج مقبول

عبادت مطلوب و عبادت مغضوب

تبیین رابطه‌ی حجت خدا و حج

زیارت رسول خدا ﷺ و ائمهٔ بقیع علیهم السلام



• گوشه‌ای از مسجد الحرام را که اختیار می‌کنی و می‌نشینی، سیل خروشان امت اسلام را می‌بینی که همراه با جلوه‌های گوناگونی از پرستش پروردگار جاری است. بربر و سودان، سیاه و سفید، عرب و عجم را می‌بینی که بر گِرد "خانه" می‌گردند!

صورت‌هایی نهاده بر دیوار و پرده‌ی کعبه، دست‌هایی که در ازدحام رسیدن به حجرالاسود، پاکی و قداست آن را لمس می‌کنند و ضجه‌ها و ناله‌هایی که تمنای بخشایش و انس و نزدیکی به صاحب‌خانه را دارند. اما

چه بسیارند ضجه‌زندگان و چه اندکند حج‌گزاران!
ما أَكثَرُ الضَّجِيجِ وَأَقَلُّ الْحَجِيجِ * ۱۹

• تو شاید از دیدن اینچنین جوش و خروشی در صحنه‌ی حج، لذت ببری؛ اما امام صادق علیه السلام دل‌باخته‌ی این ازدحام نشده و خطاب به یکی از شیعیان

* بنابراین نقل، وقتی ابوبصیر از جمعیت زیاد طواف‌کنندگان تعجب نمود، امام باقر علیه السلام این عبارت

می‌فرمایند:

غشاء يأتي به الموج من كل مكان.

[این جماعت، چون] کف* روی آبد که موج، آن‌ها را از هر جایی

می‌آورد!

آن‌گاه اضافه می‌فرماید:

لا والله ما الحج إلا لكم لا والله ما يتقبل الله إلا منكم.^{۱۱۰}

به خدا سوگند، حج تنها برای شماست، به خدا سوگند، خداوند از

کسی جز شما نمی‌پذیرد.

آنچه در برابر چشم من و تو جاری است، در عمق نگاه معصوم ﷺ،

حقیقتی دیگر دارد و گویی برای بسیاری از حاضران در حرم، با وجود

تحمل دشواری‌های مناسک، شرط اساسی قبولی این عبادت، همچنان

مفقود است.

• آورده‌اند که شیطان به خداوند ﷺ عرضه داشت:

يا رب اعفني من السجود لآدم وأنا أعبدك عبادة لم يعبدكها ملك

مقرب ولا نبي مرسل.

ای پروردگار من! مرا از سجده بر آدم معاف دار تا تو را عبادتی

کنم که هیچ فرشته‌ی مقرب و پیامبر فرستاده‌ای، چنین عبادتی

نکرده باشد!

پاسخ آمد:

لا حاجة لي إلى عبادتك إنما أريد أن أعبد من حيث أريد لا من

حيث تريد.^{۱۱۱}

به عبادت تو هیچ نیازی ندارم؛ من می‌خواهم فقط از آن راهی

* همان کفی که آلودگی‌ها را با خود حمل می‌کند.

که خود می‌خواهم عبادت شوم نه از آن راه که خواسته‌ی توست!
و شیطان سجده نکرد!

• در اعمال و مناسک حج نیز، اشک‌هایی که برگونه‌ها فرو می‌ریزند و ناله‌هایی که سر داده می‌شوند و ... همه‌وهمه تنها زمانی جلوه‌های عبادت الهی‌اند که در مسیر اراده‌ی خداوند متعال باشند و اگر نه، مطلوب او نخواهند بود! روح مناسک را باید دریافت تا گمراهی و سرگردانی، بر انسان چیره نگردد و کدامین زیان از این گمراهی، زیان‌بارتر؟!

﴿ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴾ ﴿ الَّذِينَ صَلَّى سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنََّّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴾^{۱۱۲}

بگو آیا به شما از زیانکارترین مردمان از نظر اعمال خبر دهم؟
آن‌ها که تلاششان در زندگی دنیا به گمراهی رفته در حالی که خود می‌پندارند نیک عمل می‌کنند!

هشدارهایی چنین در قرآن به راستی باید جدی گرفته شوند. صحبت از افرادی که سهل‌انگار و کم‌تلاشند، نیست؛ بلکه خداوند متعال از سرنوشت کسانی می‌گوید که علی‌رغم تلاش بی‌وقفه، سعی‌شان در این دنیا بیهوده بوده و نتیجه‌ای در آخرت برایشان نداشته است؛ در حالی که گمان می‌کرده‌اند توشه‌ای گران‌اندوخته‌اند!

• کلام امام باقر علیه السلام به نیکی‌گویای خُسران و زیان‌جداشدگان از دامان وحی است:

... أَمَا لَوَأَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وِلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيَوَالِيهِ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بَدَلَاتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزَّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ...^{۱۱۳}

[بدانید] اگر مردی شب را به عبادت بایستد و روزش را روزه‌دار

باشد و تمام اموالش را صدقه دهد و تمام روزگارش را حج گزارد در حالی که ولایتِ ولی خدا را نشناسد (امام برگزیده از سوی خدا را نشناسد) تا او را پیروی کند و همه ی اعمالش، با راهنمایی او به سوی خدا باشد، [چنین شخصی] نزد خداوند استحقاق پاداشی نخواهد داشت و از اهل ایمان به حساب نمی آید!

• از این رو، باید دقت داشت که خداوند متعال در زندگی بشر دو چیز از او خواسته است:

خواسته ی اول او این است که باید مجموعه ای از اعمال خیر و نیک که برایش تعریف و به آن ها امر نموده است، به جای آورد. نماز، روزه، حج، زکات و ... همه و همه از این دستورات هستند. معمول افراد مؤمن، در این مرحله مشکلی ندارند.

اما این پایان راه نیست؛ چرا که او از انسان، خواسته ی بالاتری نیز دارد. آن خواسته - که از قضا ریشه و اساس دین است - این است که دستوراتم را از مسیری که من می خواهم و بر اساس اعتقاد و باور صحیح به جا بیاور! اینجا بزنگاهی است که بسیاری از مدعیان ایمان را به زمین زده است و چه بسا در این مرحله، خود را تسلیم تدبیر او نمی کنند. جان کلام آنکه اگر عملی ظاهرش خیر اما فاقد زیربنا و ساختاری باشد که همان باور درست است، نزد خداوند ارزشی ندارد.

• خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^{۱۱۴}

نیکی، آن نیست که از پشت خانه ها به آن ها درآیید؛ بلکه نیکی

دو خواسته ی اساسی

خداوند متعال

از بشر

از در، وارد

خانه شو!

آن است که تقوا پیشه سازید و [برای] ورود به خانه‌ها از درهایشان وارد شوید.

• سخن اهل بیت علیهم‌السلام در ذیل همین آیه، به فهم دقیق‌تر موضوع کمک خواهد کرد. در بیان رسایی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است:

... إني من أتى البيوت من أبوابها اهتدى و من أخذ في غيرها سلك طريق الردى وصل الله طاعة ولى أمره بطاعة رسوله صلوات الله عليه وطاعة رسوله صلوات الله عليه بطاعته فمن ترك طاعة ولاة الأمر لم يطع الله ولا رسوله ...^{۱۱۵}

به یقین آن کس که به خانه‌ها از درهایشان درآید، هدایت شده است و آنکه راه دیگری گزیند، مسیر هلاکت پیموده است. خداوند پیروی ولی امرش (امام معصوم) را به پیروی پیامبر صلوات الله علیه و پیروی پیامبر صلوات الله علیه را به فرمان برداری خویش وصل نموده است. پس کسی که اطاعت سرپرستان خویش (ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام) را ترک کند، خدا و رسولش را فرمان نبرده است.

• طاعت الهی بدون رجوع به باب الله تعالی تحقق نمی‌یابد. در انجام عمل عبادی ابتدا باید جهت الهی را شناخت و وجه الله را دریافت؛ سپس با التزام به ولایت الهی‌اش و تسلیم محض در قبال او، عبادت خالصانه‌اش را در پیش گرفت. این همان عبادت "من حیث أريد" * است که شرحش گذشت.

در تفسیر عیاشی آمده که وقتی درباره‌ی همین آیه از امام باقر علیه‌السلام پرسیده شد، ایشان در پاسخ فرمودند:

* یعنی عبادت از مسیری که خداوند می‌خواهد. (اشاره به روایت بیان شده در ابتدای همین فصل

آل محمد ﷺ أبواب الله و سبيله و الدّعاة إلى الجنة و القادة إليها
و الأدلاء عليها إلى يوم القيامة.^{۱۱۶}

اهل بیت پیامبر ﷺ دروازه‌های الهی و راه او و دعوت‌کنندگان
به بهشت و راهبران به آن و راهنمایان آن تا روز قیامت اند.

• این حقیقت - که یگانه راه سعادت‌مندی، رجوع به ذوات نورانی
اهل بیت ﷺ است و حتی عبادت پروردگار هم بدون پذیرش ولایت‌شان
و دشمنی با دشمنان‌شان محقق نمی‌شود -، از بدیهی‌ترین امور در آیات
و روایات است.

• البته در این بین، روایاتی وجود دارند که مسأله را جدی‌تر دیده‌اند و
حد و مرزها را فراتر ترسیم کرده‌اند. حاصل این باب از روایات، آن است
که خداوند متعال بیزار است از اعمال کسی که امام برگزیده از سوی خدا را
نپذیرفته و عنان سرپرستی خویش را به والیان ظالم و غاصب داده است.
در بخشی از یک روایت چنین آمده است:

عن محمد بن مسلم قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول:

كلّ من دان الله ﷻ بعبادة يجهد فيها نفسه ولا إمام له من الله
فسعيه غير مقبول وهو ضالّ متحيّر والله شائف لأعماله ...^{۱۱۷}

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل نموده است:

هرکس خداوند ﷻ را با عبادتی که در آن خودش را به سختی
می‌اندازد، پرستش نماید، در حالی که امامی که از جانب خدا نداشته
باشد، پس تلاش او پذیرفته نمی‌شود و او گمراهی است حیران و
خداوند از اعمالش بیزار است.

• پیامبر اکرم ﷺ که خود نقطه‌ی ثقل دین است، امت خویش را
به درستی، به حقیقت دین دلالت کرده است. او که از سویی همسایه و

هم نشین و هم کلام مردم زمانه‌ی خویش بود، از سوی دیگر، پرچم دار «مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» * بود و بر فراز "مدینة العلم"؛ هم او یگانه دروازه‌ی ورود به این شهر را، تا قیامت پیش روی امتش گشود و آنان را به اهل بیت علیهم‌السلام رهنمون شد. **

به راستی ما افراد این امت که گرانیگاه آفرینش را در میان خود داریم و شهر دانش دو عالم را در وجود پیامبرمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یافته و دروازه‌ی ورود به این شهر پر برکت را نیز از طریق او شناخته‌ایم، چه بر خود می‌بالیم و چگونه نعمتش را سپاس گوئیم؟ حقا که اگر دروازه‌ی شهر دانش نبوی نبود، ما بودیم و تاریکی گمراهی و نادانی و هلاکت!

- این‌گونه است که حج بی‌امام و بدون معرفت وی، بی‌ارزش است و چه بسا مورد غضب ربّ متعال.

اهمیت دیدار و

زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

وامامان علیهم‌السلام

• روایاتی که بیانگر نقش امام علیهم‌السلام و اهمیت زیارت او - چه در زمانه‌ی حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام و چه بعد از آن - است، خارج از حد تصور است.

• در ادامه‌ی این فصل تلاش شده است با مرور تعدادی از این عناوین، ابتدا غایت رفیع حج، یعنی لقاء و زیارت امام علیهم‌السلام، روشن شود و سپس اهمیت و منزلت زیارت قبر مطهر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام بر

* اشاره به آیات شریفه‌ی «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» و او از میل خویش سخن

نمی‌گوید * آن [سخن] چیزی نیست جز وحی که بر او نازل شده است. سوره نجم: ۳ و ۴

** اشاره به فرمایش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیرامون امیر مؤمنان علیه‌السلام: «أنا مدينة العلم و علیّ بابها و هل تدخل المدينة إلا من بابها. من شهر دانش هستم و علی دروازه‌ی آن و آیا [کسی] جز از دروازه،

داخل شهر می‌شود؟ الامالی للصدوق: ص ۳۴۵

خوانندگان آشکار گردد.

﴿ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴾^{۱۱۸}

پس باید آلودگی هایشان را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند و برگرد بيت العتيق (کعبه) طواف نمايند .

• ذيل اين آيه ، روايات متعددی وارد شده که ضمن تفسير عبارت ﴿ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ ﴾ پرده از ابهامات آن برمی دارد و حقيقت آن را آشکار می سازد .

در روايتی ابو عبیده می گوید: شنيدم که امام باقر عليه السلام با ديدن مردم در مکه و نظاره ی اعمالشان ، فرمودند:

فعال كفعال الجاهلية أما والله ما أمروا بهذا وما أمروا إلا أن يقضوا
تفثهم وليوفوا نذورهم^{۱۱۹} فيمروا بنا فيخبرونا بولايتهم ويعرضوا علينا
نصرتهم .

كارشان ، همچون كار عرب جاهلی است! آگاه باش که به خدا سوگند به اين كار امر نشدند و امر نشدند مگر برای زدودن آلودگی ها از خودشان و اداء نذرهایشان؛ پس نزد ما آيند و ما را از [پذيرش] ولايتشان آگاه سازند و آمادگی شان را برای ياری ما اعلام کنند .

• روايت فوق از دو زاويه ، قابل درنگ و تعمق بيشتراست:

۱. تعبير " عمل جاهلی " ، گویای بی ارزش بودن طواف و سعی و مجموعه ی اعمال كسانی است که ولايت آل الله را نپذيرفته اند و با وجود آن برگرد خانه ی خدا در چرخشند!

۲. " قضاء تفث " (از بين بردن آلودگی ها) علاوه بر ظاهر ، باطنی هم دارد . معنای ظاهرش - آن چنان که در برخی روايات نیز آمده است - کوتاه کردن ناخن و سبيل است . اما در وراي اين معنای ظاهری ، تأويلی نهفته است که همان زدودن آلودگی های باطنی و درونی است . از اين رو در چند

زدودن

آلودگی باطن

با زیارت امام عليه السلام

روایت، دیده می‌شود که قضاء تفت، به دیدار امام و عرض ولایت و یاری معصوم علیه السلام، تفسیر شده است.

• امام صادق علیه السلام در گفت‌وگویی با دو تن از نزدیک‌ترین یاران‌شان* با اشاره به هر دو معنای "قضاء تفت" پرده از ظاهر و باطن این آیه‌ی شریفه، برمی‌دارند.^{۱۲۰}

مقصود از

دعای حضرت

ابراهیم علیه السلام

﴿ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ ﴾^{۱۲۱}

پس دل‌هایی از مردم را مشتاق [و دوستدار] آنان قرارده!

• این آیه‌ی شریفه، بیانگر یکی از دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام در سرزمین وحی است.

در روایتی - ذیل این آیه - امام باقر علیه السلام ضمن فرمایشاتی به قتاده - از بزرگان عامه - و با اشاره به اشتباهات پی‌درپی او، با تأکید فرمودند:

ويحك يا قتادة إن كنت إنما فسرت القرآن من تلقاء نفسك فقد هلكت وأهلكت وإن كنت قد أخذته من الرجال فقد هلكت وأهلكت.

وای بر تو ای قتاده! اگر از خودت قرآن را تفسیر کردی پس به تحقیق [هم] هلاک شدی و هم دیگران را [که به تو مراجعه می‌کنند] هلاک نمودی و اگر این مطالب [باطل] را از دیگران [غیر اهل بیت علیهم السلام] گرفتی، [باز هم] هلاک شدی و هلاک کردی!

ويحك يا قتادة ذلك من خرج من بيته بزاز وراحلة و كراء حلال يروم هذا البيت عارفاً بحقنا يهوانا قلبه كما قال الله ﷻ ﴿ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ ﴾ و لم يعن البيت فيقول إليه.

وای بر توای قناده! آن [آیه‌ای که تو غلط تفسیرش نمودی، درباره‌ی] کسی است که از خانه‌اش با توشه و مرکب و کرایه‌ی حلال، خارج شده در حالی که این "خانه" را طلب کند [و] آگاه به حق ما باشد؛ دلش هوای ما را داشته باشد؛ آن چنان که خداوند ﷻ فرموده: پس دل‌هایی از مردم را مشتاق [و دوستدار] آنان قرارده! و مقصودش [از آنان] کعبه نیست؛ [اگر مرادش کعبه بود، باید] می‌فرمود: به سوی "آن".

فَنَحْنُ وَاللَّهِ دَعْوَةَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّتِي مِنْ هَوَانَا قَلْبِهِ قَبْلَتْ حَجَّتَهُ وَ
إِلَّا فَلَآ. ^{۱۲۲}

پس به خدا سوگند [مقصود] دعای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ، ما هستیم. آنکه دلش میل به ما پیدا کند، حجّش پذیرفته است و در غیر این صورت پذیرفته نیست!

• در روایات فراوان - به اشاره یا صراحت - امر به طواف و توصیه‌ی رسیدن به حضور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ، در کنار هم ذکر شده است. گویا مؤمنان نه یک، که دو وظیفه را بر عهده دارند: اجرای مناسک حج و رسیدن به حضور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ. در روایتی امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ با اشاره به طواف‌کنندگان خطاب به ابو حمزه‌ی ثمالی می‌فرمایند:

ای اباحمزه! اینان به چه چیزی امر شده‌اند؟

و پس از آنکه ابو حمزه پاسخی نیافت، خودشان فرمودند:

إِنَّمَا أَمْرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الْأَحْجَارِ ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَلِّمُونَا وَلاَ يَتَمِّمُونَ. ^{۱۲۳}

همانا امر شده‌اند که دور این سنگ‌ها (کعبه) بچرخند؛ سپس نزد ما بیایند و ولایتشان را به ما اعلام کنند.

• از این رو - همان‌گونه که مرحوم مجلسی اول (ره) نیز به آن اشاره کرده -

پس از طواف،

اعلام ولایت کنند

یکی از مهم ترین اهداف حج این بوده است که مؤمنان پس از پایان اعمال، ولایت خود را بر امامشان عرضه کنند تا معالم دینشان را بیاموزند و از برکات اهل بیت علیهم السلام استمداد بجویند.^{۱۳۴}

• تأکید بر دیدار یا زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تا آنجاست که اگر گفته شود این دیدار در هر زمانه ای، مکمل حقیقی و چه بسا اساس حج است، گزاف نیست.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

تمام الحج لقاء الامام.^{۱۳۵}

دیدار امام، تمام کننده ی حج است (حج بدون دیدار امام، ناقص است).

امام عصر علیه السلام

در میان

طواف کنندگان

• جناب محمد بن عثمان (ره) * می گوید:

والله إن صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة يرى الناس و يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه.

به خدا سوگند! صاحب این امر، هر ساله در موسم حج حاضر می شود، در حالی که مردم را می بیند و می شناسد و [مردم نیز] او را می بینند [ولی] نمی شناسند.

• خوشا به سعادت او! امامش را کنار کعبه دید که فرمود:

اللهم أنجز لي ما وعدتني.

خداوندا! [به زودی] وعده ای را که به من دادی وفا نما! [که عالم]

پراز ظلم را، پراز عدل و داد کنم]

و در آن حال که دست در پرده ی کعبه انداخته، می فرماید:

خداوندا! انتقام مرا از دشمنانت بگیر! ^{۱۳۶}

* یکی از وکلای امام زمان علیه السلام در دوران غیبت صغری.

مدینه النبی ﷺ

• از گذشته مرسوم بوده است که موالیان اهل بیت علیهم السلام در موسم حج، به زیارت قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه ی بقیع علیهم السلام می شتافتند و خود را مقید به این کار نیک می دانسته اند.

برای مؤمنانی که به سبب ویژگی های زمانه یا مشکلات فردی، از اهتمام به این امر غفلت می ورزند، مرور روایات زیر - درباره ی زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومشان علیهم السلام - روشنگر و ضروری است.

• در بسیاری از روایات، مسأله ی تشریف به مدینه منوره - در سفر حج - مورد تأکید و توجه واقع شده است. به عنوان نمونه، در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمودند:

ابدءوا بمكة و اختموا بنا.^{۱۲۷}

با مکه آغاز کنید و به ما ختم کنید!

این روش - بنابر فرمایش مرحوم مجلسی اول (ره) - شیوه ی اصحاب امامان معصوم علیهم السلام بوده که در زمان حیات ایشان برای فراگیری احکام و آموزه های دین و بعد از وفاتشان برای زیارت قبور و تجدید عهد و تمنا یاری و شفاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان شان علیهم السلام به زیارت مشرف می شدند.^{۱۲۸}

با مکه آغاز کنید

و با ما

به سرانجام رسانید

• امیرمؤمنان علیه السلام فضیلت سترگ زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را از قول ایشان این گونه نقل فرموده اند:

من زارنی بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی و کنت له شهیداً و شافعاً یوم القيامة.^{۱۲۹}

کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، همچون کسی است که مرا در زندگانی ام زیارت کرده است و من گواه و شفیع او در روز قیامت خواهم بود.

فضیلت زیارت

رسول خدا ﷺ

و ائمه بقیع علیهم السلام

وعده‌ی شیرین

شفاعت

• همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام حسین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند:

پدرجان! پاداش آنکه شما را زیارت نماید چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

يا بَنِيَّ مِنْ زَارِنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُزَوَّرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ
أَخْلَصَهُ مِنْ ذَنْبِهِ.^{۱۳۰}

ای پسر [عزیزم]! کسی که زیارت کند چه در حیات و چه پس از وفاتش، بر عهده‌ی من است که روز قیامت زیارتش کنم و از گناهانش رهایی اش بخشم!

• به راستی شفاعتی که چنین سخاوتمندانه وعده‌اش را داده‌اند، گوارای مؤمنانی باد که حج را به شیوه‌ی توصیه شده‌ی معصومین علیهم السلام به جا می‌آورند و آغاز و پایانش را چنانکه فرموده‌اند به انجام می‌رسانند. و چه ارمغان شیرین و دلپذیری است شفاعت که نیاز بندگان در ساعت‌های تنهایی و در آن واماندگی است!

کیست که با تکیه بر زاد و توشه‌ی خویش، از آتش دوزخ رهایی جسته و دیدار برترین مخلوقات و اشرف کائنات را نصیب خویش سازد؟ حال، اگر دنیا و آنچه در آن است را به یک دستمان دهند و زیارت آن جناب را به دست دیگر، کدام کفّه، سنگینی می‌کند؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضامن

زوّار اهل بیت علیهم السلام

• وعده‌ی دست‌گیری، تنها برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست. بلکه خود ایشان برای زیارت فرزندانشان نیز چنین وعده‌ای داده‌اند:

مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زَرْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتَهُ مِنْ
أَهْوَالِهَا.^{۱۳۱}

هرکس مرا یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت زیارتش می‌کنم و او را از [بند] ترس‌های آن می‌رهانم!

عقوبت و زشتی

ترک زیارت

• در برخی روایات، عقوبت و زشتی ترک زیارت سرور کائنات، بیان شده است. از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمودند:

من حجّ ولم یزرنی فقد جفانی.^{۱۳۲}

کسی که حج گزارد و زیارت من نکند پس به من جفا [و بی مهری] کرده است!

به خدا پناه می‌بریم از اینکه در زمره‌ی جفاکاران به بهترین خلقش قرار گیریم.

و در روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شده است:

من أتى مكة حاجاً ولم یزرني بالمدينة جفوته يوم القيامة و من زارني زائراً وجبت له شفاعتي و من وجبت له شفاعتي وجبت له الجنة ...^{۱۳۳}

اگر کسی برای حج به مکه بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند، روز قیامت از او روی گردان می‌شوم* (به واسطه‌ی جفایی که در دنیا به من نموده از شفاعتم محروم می‌شود) و هر که مرا زیارت کند، شفاعتم در مورد او حتمی است و کسی که از شفاعتم برخوردار باشد، بهشت بر او واجب می‌شود!

تعبیر "جفوتُه" در این روایت، حکایت از عاقبتی نگران‌کننده دارد که به قرینه‌ی عبارت "وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي" حمل بر عدم شفاعت می‌شود. چه مصیبتی بالاتر از اینکه از شفاعت ایشان محروم شویم.

فضیلت نماز در

مسجد النبى ﷺ

• آداب و فضایل بسیاری برای زیارت رسول خدا ﷺ و عبادت در آن مکان مقدس وارد شده؛ به عنوان نمونه به فضیلت عظیم نماز در مسجد

* پوشیده نیست که روی گردانی پیامبر رحمت ﷺ از او، پیامد جفای خود شخص می‌باشد.

النبي ﷺ اشاره می‌شود:*

از امام صادق ع نقل شده است:

صلاة في مسجد النبي ﷺ تعدل بعشرة آلاف صلاة.^{۱۳۴}

نمازی در مسجد النبي ﷺ معادل ده هزار نماز است!

- این نوشتار با انگیزه‌ی ایجاز و اختصار، جمع‌آوری و نگاشته شده است. جهت بهره‌مندی هرچه بیشتر خوانندگان، کتاب دیگری - بارویکرد تفصیل - در حال تألیف است که ان‌شاءالله به‌زودی به زیور طبع آراسته خواهد شد.

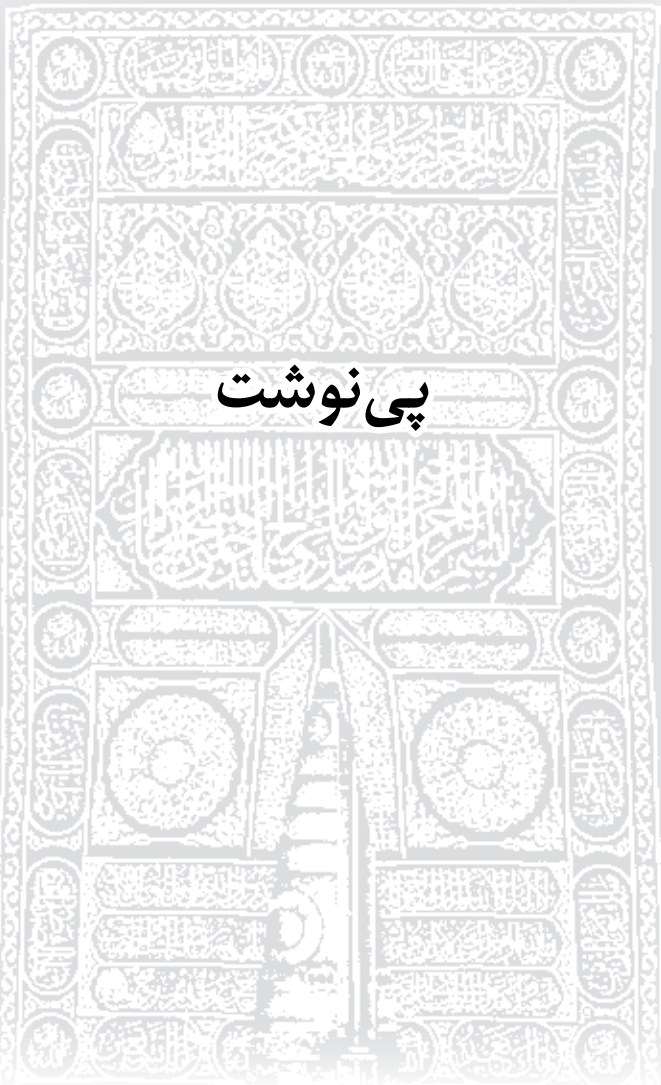
يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الصُّرُوجُنَا بِيضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ
فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

* برای درک سایر فضایل و آداب مدینه و مجموعه اعمالی که در این شهر وارد شده است، به

کتاب مفصل در بیان اعمال و اذکار و ادعیه مراجعه نمایید.



کیوارکد بالا را اسکن نموده و دیدگاه‌های ارزشمندتان را با ما درمیان بگذارید.



پی نوشت

١. سورة بلد: ١

٢... عن صالح اللفائفي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله ﷻ دحا الأرض من تحت الكعبة إلى منى ثم دحاها من منى إلى عرفات ثم دحاها من عرفات إلى منى فالأرض من عرفات وعرفات من منى ومنى من الكعبة.

الكافي: ج ٤ ص ١٨٩

٣... عن محمد بن عمران العجلي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أي شيء كان موضع البيت حيث كان الماء في قول الله ﷻ: ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ قال عليه السلام: كان مهةً بيضاء يعني درةً.

الكافي: ج ٤ ص ١٨٨

٤... عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام في المسجد الحرام لأي شيء سماه الله العتيق فقال عليه السلام: إنه ليس من بيت وضعه الله على وجه الأرض إلا له رب وسكان يسكنونه غير هذا البيت فإنه لا رب له إلا

الله ﷻ وهو الحَرَمُ قال إِنْ اللهُ ﷻ خلقه قبل الأرض ثم خلق الأرض من بعده فدحاها من تحته.

الكافي: ج ٤ ص ١٨٩

٥. ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

سوره بقره: ١٢٧

٦... فلما قدم إبراهيم ﷻ كشف هوو وإسماعيل ﷻ عنها فإذا هو حجر واحد أحمر فأوحى الله ﷻ إليه ضع بناءها عليه وأنزل عليه أربعة أملاك فلما تم بناؤه قعد على كل ركن ثم نادى هلم إلى الحج هلم إلى الحج فلو ناداهم هلموا إلى الحج لم يحج إلا من كان يومئذ إنسياً مخلوقاً ولكنه نادى هلم إلى الحج فلبى الناس في أصلاب الرجال وأرحام النساء لبيك داعى الله لبيك داعى الله فن لبي مرة حج مرة ومن لبي عشرًا حج عشر حجج ومن لم يلب لم يحج ...

من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٣٢ همچنين رك الكافي: ج ٤ ص ٢٠٦

٧. رجوع شود به باب فى حج آدم ﷻ. الكافي: ج ٤ ص ١٩٠

٨. التائم بمكة كالمتهجد في البلدان. من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٨
همچنين در روايتى ديگر آمده است: و من مات في أحد الحرمين بعثه الله من الأمنين. من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢٢٩

٩. رجوع شود به باب حج الأنبياء ﷺ. الكافي: ج ٤ ص ٢١٢

١٠... عن علي بن أبي حمزة قال قال لى أبو الحسن عليه السلام: إن سفينة نوح ﷻ كانت مأمورة طافت بالبيت حيث غرقت الأرض ثم أتت منى في أيامها ثم رجعت السفينة وكانت مأمورة وطافت بالبيت طواف النساء.

الكافي: ج ٤ ص ٢١٢

١١. ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ

﴿الأَصْنَامَ﴾

سوره ابراهیم: ۳۵

۱۲. علیّ عن أبيه عن حمّاد بن عيسى عن الحسين بن المختار عن أبي بصير قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: مرّ موسى بن عمران عليه السلام في سبعين نبياً على فجاج الرّوحاء عليهم العباء القطوانيّة يقول لبيك عبدك ابن عبدك.

الكافی: ج ۴ ص ۲۱۳

۱۳. عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: أن سليمان بن داود حجّ البيت في الجنّ والإنس والطّير والرياح وكسا البيت القباطى.

الكافی: ج ۴ ص ۲۱۳

۱۴. ... عن ابن مسكان عمّن رواه عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إنّ داود لما وقف الموقف بعرفة نظراً إلى النّاس وكثرتهم فصعد الجبل فأقبل يدعو...

الكافی: ج ۴ ص ۲۱۴

۱۵. ... عن معاوية بن عمّار الدهنّى عن أبي عبدالله عليه السلام قال: دفن ما بين الرّكن اليمانيّ والحجر الأسود سبعون نبياً أماتهم الله جوعاً وضرّاً.

الكافی: ج ۴ ص ۲۱۴

۱۶. الامالى للصدوق: ص ۱۳۲

۱۷. الامالى للصدوق: ص ۱۳۲

۱۸. بحار الانوار: ج ۳۳ ص ۱۸۲

۱۹. سوره آل عمران: ۹۷

۲۰. اشاره به روایت: عن عبید بن زرارة قال سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول يفقد النّاس إمامهم يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه.

الكافی: ج ۱ ص ۳۳۷

۲۱. اشاره به فرازی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام از زبان مبارک

امام هادی علیه السلام در روز عید غدیر:

و أشبهت في البيات على الفراش الذبيح عليه السلام إذ أجبته كما أجاب وأطعت
كما أطاع إسماعيل صابراً محتسباً إذ قال له يا بني إني أرى في المنام أنني
أذبحك فانظر ما ذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمرستجدي إن شاء الله من
الصّابرين وكذلك أنت لما أباتك النبي صلى الله عليه وآله وأمرك أن تضجع في مرقده
واقياً له بنفسك أسرعت إلى إجابته مطيعاً ولنفسك على القتل موطناً.

بحار الانوار: ج ۹۷ ص ۳۶۷

۲۲. ادامه فراز یاد شده از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

فشكر الله تعالى طاعتك وأبان عن جميل فعلك بقوله جلّ ذكره:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾.

بحار الانوار: ج ۹۷ ص ۳۶۷

۲۳. سوره بقره: ۲۰۷

۲۴. عن جعفر بن عقبة عن أبي الحسن عليه السلام قال: إن علياً عليه السلام لم يبيت
بمكة بعد إذ هاجر منها حتى قبضه الله صلى الله عليه وآله إليه قال قلت له ولم ذاك قال
يكره أن يبيت بأرض قد هاجر منها رسول الله صلى الله عليه وآله فكان يصلي العصر و
يخرج منها و يبيت بغيرها.

علل الشرائع: ج ۲ ص ۴۵۲

۲۵. بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۲۰۹

۲۶. عيون اخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۵۸

۲۷. سوره آل عمران: ۹۶

۲۸. الكافي: ج ۴ ص ۱۸۹

۲۹. برای مطالعه ی بیشتر رک الكافي: ج ۴ ص ۱۸۹

۳۰. سوره مائده: ۹۷

۳۱. الكافي: ج ۴ ص ۲۷۱

۳۲. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۹
۳۳. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من نظر إلى الكعبة لم يزل تكتب له حسنة وتمحي عنه سيئة حتى ينصرف ببصره عنها.
الكافی: ج ۴ ص ۲۴۰
۳۴. الكافی: ج ۴ ص ۲۴۰
۳۵. الكافی: ج ۴ ص ۲۴۱
۳۶. مثل الإمام مثل الكعبة إذ تؤقى ولا تأتي.
بحار الانوار: ج ۳۶ ص ۳۵۲
۳۷. ماء زمزم شفاء لما شرب له.
من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸
۳۸. من أراد أن يكثر ماله فليطل الوقوف على الصفا والمروة.
من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹
۳۹. إذا وقفت بعرفات إلى غروب الشمس فلو كان عليك من الذنوب مثل رمل عالج وزبد البحر لغفرها الله لك ...
من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۲
۴۰. إذا أخذ الناس منازلهم بمئى نادى مناد لوتعلمون بفناء من حللتم لأيقنتم بالخلف بعد المغفرة.
الكافی: ج ۴ ص ۲۶۳
۴۱. الكافی: ج ۴ ص ۲۷۰
۴۲. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰
۴۳. الكافی: ج ۴ ص ۲۵۶
۴۴. الكافی: ج ۴ ص ۲۵۸
۴۵. الكافی: ج ۴ ص ۵۴۸
۴۶. الكافی: ج ۴ ص ۱۹۷

٤٧. الكافي: ج ٢ ص ١٨
٤٨. الكافي: ج ٢ ص ١٨
٤٩. سورة ذاريات: ٥٠
٥٠. الكافي: ج ٤ ص ٢٥٦
٥١. سورة آل عمران: ٩٧
٥٢. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٥
٥٣. تهذيب الاحكام: ج ٥ ص ١٦
٥٤. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٥
٥٥. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٥
٥٦. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٨
٥٧. سورة طه: ١٢٤
٥٨. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٩
٥٩. الكافي: ج ٤ ص ٢٧٠
٦٠. الكافي: ج ٤ ص ٢٧١
٦١. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٩
٦٢. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٩
٦٣. الكافي: ج ٤ ص ٢٦٢
٦٤. من لا يحضره الفقيه: ج ٢ ص ٢١٦
٦٥. الكافي: ج ٤ ص ٢٥٢
٦٦. عن أبي بصير قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ضمان الحاج والمعتمر على الله إن أبقاه بلغه أهله وإن أماته أدخله الجنة.
- الكافي: ج ٤ ص ٢٥٣
٦٧. الكافي: ج ٤ ص ٢٥٣
٦٨. الكافي: ج ٤ ص ٢٧٩

۶۹. الکافی: ج ۴ ص ۲۷۹
۷۰. الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵
۷۱. الکافی: ج ۴ ص ۲۶۱
۷۲. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۳
۷۳. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹
۷۴. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹
۷۵. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸
۷۶. فإذا قضی نسکته غفر الله له ذنوبه و كان ذا الحجّة و المحترّم و صفر و شهر ربیع الأوّل اربعة أشهر تكتب له الحسنات و لا تكتب علیه السيئات إلا أن يأتي بموجبة فإذا مضت الاربعة الأشهر خلط بالنّاس.
- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵
۷۷. تهذیب الاحکام: ج ۵ ص ۱۲
۷۸. وسائل الشیعة: ج ۱۱ ص ۴۸۳
۷۹. الکافی: ج ۴ ص ۲۵۶
۸۰. عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إن الله ﷻ فرض الحجّ على أهل الجدة في كلّ عام.
- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۶ رک مرآة العقول: ج ۱۷ ص ۱۴۳
۸۱. برای مطالعه ی بیشتر در این زمینه رک من لایحضره الفقیه:
ج ۲ ص ۲۱۶ و ۲۱۷
۸۲. الکافی: ج ۴ ص ۲۵۴
۸۳. الصحیفة السجادية: دعای ۲۳ ص ۱۱۲
۸۴. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۴۱ و ۵۴۲
۸۵. الکافی: ج ۴ ص ۲۸۱
۸۶. الکافی: ج ۴ ص ۲۸۱

۸۷. الكافي: ج ۴ ص ۲۶۴
۸۸. الكافي: ج ۴ ص ۲۷۸
۸۹. الكافي: ج ۱ ص ۲۷
۹۰. سوره نساء: ۶۵
۹۱. الكافي: ج ۱ ص ۳۹۰
۹۲. من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۲۰
۹۳. الكافي: ج ۴ ص ۲۷۱
۹۴. بحار الانوار: ج ۹۶ ص ۱۰
۹۵. الكافي: ج ۴ ص ۲۶۰
۹۶. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۵
۹۷. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۸
۹۸. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۷
۹۹. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۳
۱۰۰. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۹
۱۰۱. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۹
۱۰۲. الامالی للصدوق: ص ۴۹۳
۱۰۳. الكافي: ج ۲ ص ۱۹۳
۱۰۴. بحار الانوار: ج ۹۶ ص ۵
۱۰۵. من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۲۸
۱۰۶. الكافي: ج ۴ ص ۲۶۴
۱۰۷. الكافي: ج ۴ ص ۲۵۶
۱۰۸. من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۲۸
۱۰۹. بحار الانوار: ج ۴۶ ص ۲۶۱
۱۱۰. الكافي: ج ۸ ص ۲۳۷

۱۱۱. بحار الانوار: ج ۱۱ ص ۱۴۱
۱۱۲. سوره کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴
۱۱۳. الکافی: ج ۲ ص ۱۹
۱۱۴. سوره بقره: ۱۸۹
۱۱۵. الکافی: ج ۲ ص ۴۷
۱۱۶. تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۸۶
۱۱۷. الکافی: ج ۱ ص ۱۸۳
۱۱۸. سوره حج: ۲۹
۱۱۹. الکافی: ج ۱ ص ۳۹۲
۱۲۰. الکافی: ج ۴ ص ۵۴۹
۱۲۱. سوره ابراهیم: ۳۷
۱۲۲. الکافی: ج ۸ ص ۳۱۱
۱۲۳. علل الشرائع: ج ۲ ص ۴۰۶
۱۲۴. روضة المتقين: ج ۵ ص ۳۱۴
۱۲۵. الکافی: ج ۴ ص ۵۴۹
۱۲۶. من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۰
۱۲۷. الکافی: ج ۴ ص ۵۵۰
۱۲۸. روضة المتقين: ج ۵ ص ۳۱۳
۱۲۹. کامل الزیارات: ص ۱۳
۱۳۰. کامل الزیارات: ص ۱۴
۱۳۱. کامل الزیارات: ص ۱۱
۱۳۲. بحار الانوار: ج ۹۶ ص ۳۷۲
۱۳۳. کامل الزیارات: ص ۱۳
۱۳۴. الکافی: ج ۴ ص ۵۵۶



منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغة (صبحي الصالح)، شريف الرضي، محمد بن حسين

قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.

الصحيفة السجادية

قم: دفتر نشر الهادي، ۱۳۷۶ ش، چاپ اول.

الامالي (الصدوق)، ابن بابويه، محمد بن علي

تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش، چاپ ششم.

بحار الانوار (ط - بيروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی

بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم.

تفسير العياشي، عياشي، محمد بن مسعود

تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق، چاپ اول.

تهذيب الاحكام (تحقيق خراسان)، طوسی، محمد بن الحسن

تهران: دار الكتب الاسلامية، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم.

روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)،

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی

قم: کوشان پور، ۱۴۰۶ ق، چاپ دوم.

علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی

قم: داوری، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، چاپ اول.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی

تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، چاپ اول.

الکافی (ط - الاسلامیة)، کلینی، محمد بن یعقوب

تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم.

کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد

نجف اشرف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش، چاپ اول.

مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی

تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق، چاپ دوم.

من لا يحضره الفقيه، ابن بابویه، محمد بن علی

قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق، چاپ دوم.

وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن

قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.

تمامی منابع و مآخذ مطالعه و پژوهش این کتاب بر اساس نرم افزارهای

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) و از نسخه های زیر می باشد.

جامع تفاسیر ۲

جامع الاحادیث ۳/۵

جامع فقه اهل البيت علیهم السلام ۲



هَلِّمُ إِلَى الْحَجِّ

آن گاه که بنای کعبه به پایان رسید ،

حضرت ابراهیم خلیل الرّحمان عليه السلام تمام نسل ها را به حج فراخواند

هَلِّمُ إِلَى الْحَجِّ ! هَلِّمُ إِلَى الْحَجِّ ! به حج آیید ! به حج آیید !

مردمان نیز ، پیش از آنکه گام در این دنیا نهند ؛ دعوتش را اجابت نمودند

لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ ! لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ !

و بدین سان رزق و روزی سفر حج آدمیان ،

با لبّیک هایی که گفتند و نگفتند تقسیم گردید .



انتشارات دلایل ما

تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۳۴۴۱۳-۳۷۷۴۴۹۸۸
www.dalilema.ir